

دگر آنکه رجال دولت و مناسبتی دولت ایران در خواب غفلت و خزان دانی گرفتار باشند که از ثمرات تجارت و ثروت های واقف نباشند. از یک طرف اگر امتیازاتی که از ایران بی آمد گران گردد. از طرف دیگر برسد و رفع آرزوی احتیاج ملت بر آمده بهتر یا بدتر از آن را خود مهیا کرده هم البذل یا شش البهل قرار می دهند. نه ملت برزخند که اگر جلوار و انانی آن را زدی بیج قران هم مایه عبور خریداری باشند.

همی او داشته اندان جا که از علم ثروت لئالی اهدا آگاهی ندارد. احتیاج بر این میکند که دولت علیه بواسطه غیر تفکر جدید چندین گزور اضافه شده و می باشد که مانع اضافه و دولت از مات خود حاصل کرده است. از طرف دیگر تیشه بر دیشه و صادرات مملکت سویش که روح ثروت ملت می باشد رده است. به تقریب است که عملی و انگلیس نیز مملکتی نالان بوده مثل رنگ کرمک فوق العاده بر این حزنی صادرات ما هاده آن وقت مات و دولت مزه این چند گزور فائده اضافه کرمک را بچند

اگر بار روی دق نظر شود آنچه ملت دارد در حکم خزانه دولت است. مشروط بر اینکه دولت بوظیفه خود عمل نموده حقوق ملی را تسلیم دارد دولت اگر ملاحظه مات را می نمود در صورتی که امتیاز و آرده که محتاج علیه جمیع افراد است کرمک اضافه می کرد. که تسلیم دهم احتیاج ملت را بر حارج محدود باشد. و به این وضع حالیه اضافه کرمک گویا علماً جاییدن ملت که در متن واقع جوارول خزانه دولت است نموده اند. زیرا که مسلماً جایجه ذکر و دیم آنچه ملت دارد. در حکم خزانه دولت است. رجال دولت باید سعی نموده که هر چه می ممکن شود طلا و قره حارج را جلب نمایند چون قدی در ملک وارد شد طبناً بین ملت، دولت بطریق دستگردان میگرد و دوره دولت اگر هست. ملت را هم بگیرد جز ضرر مرد و بیج نمردند امروز روز اعظم و طایب دولت آنست که هر تدبیر و هنر وسیله امکان داشته باشد صادرات ملک را

بر صادرات مملکت افزونی بخشد. یا اقل روجه مساوی قرار دهد. این کرمک جدید که روسها خین ما را گول زده و در مساویة بالثل نیز مقبول کرده اند سد شدید تجلو صادرات ملک بستن و ملت ما مذویة کرمک زیاد نخستین است. و مالاً جز فقر ملت تو دولت هیچ نمی بخشد. بجز صورتی که از امتیاز فاسطه رفع احتیاج نمود را می تواند کرد کرمک زیاد بر صادرات ملک و مایه فائده و متمر ثمری می تواند گزیرد اگر گفته آید (سیو نور) و حشر اعظم این عمل را از روی عدم علم کرده خلط است. و هرگاه تصور شود که این ترمحه جدید کرمک در صادرات ملک نقصان وارد می آورد متکراً حسیات شده اند. جز اینکه بگوئیم (مسیو نور) بر با میرزا علی اصغر خان همدست و با روسها ساخته فقط چند گزور اضافه کرمک را بیاد شاه صاف درون موده ریشه ثروت ملک و مملکت را کندی چاره نداریم. این است فائده جلب رجاله فاسطه حارج و مستعمل بودن و در ارتبه بنشینند با آنها است. قره تسلیمت که بهار بر مسلمین و بیاید روزی که دولت ازین خطامی بین رجال خود کتب ناموس شاید و جلوه نیابد. حل و عقد این مسئله اهم و بحث در کلیاتین موضوع مهم و وظیفه مدیر روش ضمیر نامه مقدس لایسنس تا اگر دولتین بخواهند متنبه شده و اگر عاقلان سخن غیر مواب گفته اینم تذکر گوئیم. نه رسیده به عهد الاسلام. بخدا قسم مقالات خالصه مستحقان میر سانه نامه مقدس به دره نوشته و بیرون ملت نیکو شات جبل المنین است که حسن ملت ایران به در حاشی و غریب عالم زده باشد. آشکارا سخن بلز حقوق ملت خود میگویند. و ز روی نیت. حقوق خود را میسوزاند جدی حاصل خواهد نمود. نهایت این است که صاحب بایست تا خون شیر شد جنایت ترا بصاحب شریعت مظهره قعم میدهم که از ایراد سخنان خطه خود داری، قرضانید که حیات ما و دولت در آن است. خیر خواه وطن (ع. م.)

مکتوب از آصفهان

پانزدهم رجب ۱۳۲۱

جناب مؤیدالاسلام - هرگاه خون از دیده بیاریم
بجاست - چه بدجلایکه امروز قلد و سابق - و ریشه نیک
پنجی ملت و دولت در قبضه اختیار آنان است - کاملاً از
لذات احترامات و حظایض اضرات خائفة مایه بی خبرند -
وضع مسرت و خوشوقتی مردم را از منزل (میرزا علی
اصغر خان) صدر اعظم هر وزیری که بعد از آن بدین
مسند جایگزینند باید سر نوشت عاقبت کار خود قرار
دهد - چه این نکته بر هیچ کس پوشیده نیست - آن
زمان که ملت از کارهای وزرا واقف نمیشدند گذشت -
و آن دفترگاو خورد شد - که هرکاری را شخص بزرگی
میکرد ولو لغو بود تعریف می نمودند - حالا اگر تعریف
میکند همان بادنجان دور قابینهای نیک بحرام و نوکر
های خودشان است - که زبان به تعلق گشوده آنه فک
زده بخت برگشته را از اوج خوش نامی بحضیض بدنامی
تزل میدهند - و بشتم و لمن ابدی نام او را در افواه
و السنه ملت و تاریخ مملکت نامبردار میکنند

بل - بسلوک نیک و بد و قدرت و رغبت ملت
را بوزرای خاق و امین وضع کناره گیری میرزا

علی اصغر خان و برلس بسلوک نیکو مینمایند - این نیز
ناز صهارت کناره کشیده - او نیز کناره گرفته بود -
فاضل نغزیر آقا میرزا عبدالرحیم تبریزی طالب اف در
جلد دوم سفینه طالبی که بکتاب احمد موسوم است -
چشم سالک هشتم برلس بسلوک را که ملت آلمانیه
گرفته بودند چنین می نویسد -

نقل از سفینه طالبی

(جلد دوم صفحه ۷۴)

روزنامه را برداشتم جشن سال هشتم برلس
بسلوک صدر اعظم سابق آلمان را که در ماه مارچ
(۱۸۹۵) مطابق شوال (۱۳۱۲) ملت آلمان چیده
بود مطالعه مینمودم - میدیدم که این چهل و هفت مایان
(نود و چهار کرور) ملت آلمان با یک عشق مفرط
و شوق صمیمی از میان خود وکلا منتخب نموده برای
تبریک به (فرید ریکرومه) که محل اقامت این شخص
جلیل القدر مائل - صادق - غیور - کافی - خادم وطن
در ماه نوزدهم است فرستاده اند - به جمیع شهرهای
آلمان او را (متحدن محترم) انتخاب نمودند (۵)

از همه سلاطین روی زمین تلفرافهای تبریک
و تضمین ادعیه های صمیمی رسیده - از مدارس آلمان
و کلابی مخصوص فرستاده شده - و از همه کارخانه جلات

(۵) در ممالک متحدنه یعنی در بلادیک تمدن آنها در معنی مطوه میباشد - هرگاه خواسته باشند به شخصی
احترام فوق العاده نمایند اداره بلدی در حضور همه متخصیص خود مسئله را طرح میکنند - و متفقاً قرار
میکنارند که به فلان شخص یا فلان سردار و امیر و پادشاه انتخاب تمدن محترمی او را معلوم نمایند - و هرگز
مخبر مخصوص انتخاب او را که نهایت قناعت و تقاضی و طلا نویسی درست میکنند هر محرمه طلا یا قره یا
مرصع بواسطه دوسه نفر از اعضای هیئت بلدی مفرستند - و از احترامات بسیار بزرگ اروپا است
در سفر اول که اعلیحضرت اقدس هاپون شاهنشاه (شهید) ایران در لندن (کثرتیف داشته ذات هاپونی به مقصد
محترمی شهر لندن منتخب گردید - و حکم ایندن مرض محترم را در محترمه طلا تقدیم حضور بسلوک شاهنشاهی
نمود ذات اقدس هاپونی در کابل خوشنودی و جرات قبول فرمودند - اساسی این حور اشخاص بدفتر مخصوص
این ارقام است میشوند - و با دلم الايام در حال حیات و سلامت تمام گرامی آنها با این امتیاز محترم ندسکر و
وصافی میشود

مظهور از ابراهام این حاشیه نیست هموطنان را حالی شود که معنی تمدن چیست که به سلاطین این نام گرامی علامت
امتیاز و احترام فوق العاده میشود - و چرا سلب حقوق مدنیت از مقرر در اروپا از مجازات کبیره محسوب است؟

هونرستانها بفرود با از جابجایی جریوس بعضی و
پتو و چرمی - ۱۰۰ پانز فووشن و و غالب پنیر (که
هر قلم می بین وزن دلمش از جابجایی بآورد فرود
آورد - از جابجایی شماران بینه از جابجایی فرود
از جابجایی لمان چکه با خود چکه - جابجایی از جابجایی
مصنوعی و طبیعی ملک هر کس هر چه استطاعت بمانند
و عاون تربیتی به از فتنم نمود - اوقات جمله بکنفر
پیره رن و غیر شش خفته بمراتب رخ دست خود
درا ته خریداری این بیدف هشتای ساله بازار محبت
سوطن هر چه داشته است - بچندین عهد تألیفات علمی
از فضلی معرفت بیادگاری این جتن تألیف نموده -
چندین باره های فاضی استادان ما هونر آلمان بکلاس
یکی جنگ (۳۰۰۰ ورع) و فتح لشکر آلمانرا بکعبه
اند جزه هدیه های مرسولی است - از همه هتای
بمهاجران سکنه سایر قطعات روی زمین و کلا با هتای
بریک و انواع محب و مدایا رونق اثرای این همه
کلاه حلوش ملی شده

اعلیحضرت امپراطور آلمان (ویلهلم) دوم آروز
به (سارک) واریه گشته و اسامه که به ما بچ
من مالد و درندو تشکیل ملت آلمان خلاصت اختیار
سردار کل و پهلوان اول و از آن وقت چون بقیه
گیاههای نهری تاریخی است بجهت به سلاطین بروسها
که لاف هم پادشاه بروس و امپراطور آلمان هستند
منتهی شده و در خرابه بمرکز بود - ما دست خود
به سارک تسلیم نموده میگردد
چون غیرت و کرامت شد ملت آلمان بعد از صدمات
تورق و عاق دوباره در محروسه اتحاد و اقلی استقرار
بم بود استقلال کامل داده - بجز از این هدیه برای تقدیم
نمودن حضور شما نیانم

بسر داورده ساله امپراطور حاضر - بگفته کل طبیعی
ما سلیقه که نادیده را مشکل با تحریر بتوان حالی نمود - در
کال ادیه به سارک داده و میگردد - اینرا مادم فرستاده
دز بر این شهر را آیین بستند - در برجهای مهارت

مجلس بیدقیا بر افراشتند بمراتب و بچندین باره که
بعد از وفات او تا کنون در حالت عزای و سوگواری بود
برای عید این پیر محترم آرایش دادند و چراغان نمودند
روز جشن حد جلو مهارت بروس بجهت ده هزار
نفر و سکیل از همه سماله آلمان بجهت در جابجایی
خود ایستاده در این حال که ده هزار چشم نهضت
بدیدن آن اعجب و آفاق - بستر نمود - بروس بیرون
آمده به ملت آلمان تشکر می کند - و تقریباً کل
طریق را به خضار خطاباً مطلق می نماید

آقایان این حسیات - حاکی محبت ملی که الان از
معلمین مدارس عالیه در باره خود شنیدیم به پیر مردی
مثل من تقویت روح مینماید - حسیات وطن دوستی افراد
ملت ما هر حال که از وطن محبوب هم مهاجرت نمایند
تعبیر خواهد یافت - به حقیقت این مطالبه دلیل من
وجود است - برای امروز صد هزار جمعیت نموده که در
ممالک دور دست (قایلاید - و امریکا - و اوسترلیا)
سکنی دارند داعی حاربه محبت وطن را لبیک اشتراک
گفته اند - همین حسیات تخمیری وطن پرستی ما است که
استقلال ملیت خودمان را در جنگهای سخت خاها سوز
فالباه مالک شده ایم - سالی این جنگ سخته موله
استقلال ملت ما گردید اول از (مولشتین) و بعد از
(سادوا) سرد - تا اینکه رقابت فراسهها که ناشی از
حرص جهانگیری حرکات و شعورانه (نونا بازی) بود
متم اتحاد ما گردید - بعد از آنکه مهارت خود را در
روی بنای محکم ساختیم همیشه طرفدار صلح بودیم - و
بیشتر منافع ملی را نذر امتداد صلح و سلامت ملی نمودیم -
زیرا که هر چه استعداد و قدرت در مشی خود بروز
نماید آنچه خود نمانی و علوی طلیه واقع نیست -
و آنکسی وظیفه صداقت و رشادت مستک دیگر را
ممانع است - هیچ حکمی بجهت نیست که فرود چه
خواهد شد - آنچه رای امر معلوم تصور نموده از
تعمیر امر دیگر بی فکر می نمود - همه زخمت و خیالات
بخواهید در صورت عاقبت برضا از همه می یابید -

اینست که در تمام سیاسی هر چه تحصیل شود باید فکر نمود. و از عظه ای خفاوندی شمرد. حال آنکه ما کمالی خود را با خود آسود و مختبر رانده ایم باید قانع و ناآرزو باشیم نه کمال حسی و اسود حفظ نمودن آنچه داریم بکار ببریم - زیرا ممکن است که او را مفقود نماییم

آلمان طواغیر و قتل و کرب و (پاکس) و (غوثالشتون) بهین مختبر بود - بعد از آنکه او را بکار کرد - با صدوشش صمدال کفید - تا جویزه تحصیل اقتدار او را نمود - پیشرفت نامور سیاسی همان طوری طی است - چنانکه حرکت طبقات الارض که از روی هم ریخته شدن اجسام و فشار هم دیگر از مرور ایام طبقه جدیدی تشکیل یابد و جبال بلند اجداث گردد - اگر چه امتداد از منته تغییر بعضی قولها را مقتضی است - ولی به جوانان ما محله و دست پاچه گی بی لوم است - بی نتیجه نیست - بی مباحثه مسئله لایحل میباشد - هر گاه ما در مسائل مافیعی مایل خیالاته جملها به موسس کشف بقاوه نگذاریم - و در ردی قولها آنها مباحثه نکنیم - خصوص بنوعینیم - هر چه با او با ما چه بگوئیم - آنوقت به لایحل خطه خطای ما ایم - و الحمد لله - همینکه در همه مصطفی جدید مرجع ما یعنی داشته باشیم که آن مرجع نقطه اجتماع ما باشد - و همین نقطه جبارت از اتحاد آلمان و سر کرمان شخص امپراطور است - پس شما هم یامن هم آواز به ترانه سلامت باشد اتحاد آلمان و امپراطور جولان دهسان باشد (انگلیس) -

حقیقت اختلاف ما چگونه است؟ در این نگاه سال آخری مملکت موروثی - بعد از مرگ سلسله خود را در دفعه که شهرت (مرات) باشد تصرف نمودیم بعد از دو روز با خراج و نظایر مجبور شدیم

صفت مملکت به موجب آن بوساطت بعضی دوست از مملکت ما تجزی شد - حقوق تعیین باشایی بنهاد و نظارت دخل و خرج مواضع مقبره بواسطه یکدو ت از ما تسلوب گردید - بعد از بازنده سال کشش و کوشش اگر کوئی تکرار بر این جمع نمیشد - مسئله (قوتلور) تاکنون لایحل می ماند - هر گاه بیعوانان ما در جن سلطانیه ایچی امپراطور (تکولای) اول را قبول می نمودند و رساله جهادیه نمی نوشتند سرحد ما از حواف و آستارا نگاه فرسخ بالا تر بود -

پس اگر با من محبت و صداقت و غیرت و بی عرضی آنچه استقلال مادر این مدت از خود گشته مقیاس نامیم می بینیم که الآن از موی آویخته است و اگر این موی بگسلد چگونه مقفود گردد - هر چه معلوم نیست بعد از ششصد سال اختلاف ما او را دوباره تحصیل می کنند یا نه ؟

حالا خوب است شخص مهربان علی اصغر خان شرح صورت ملت ما را در باره عزله خود با ما است احترامات فایده ملت آلمان را در جشن سال هشتم بر سر بساطت میزان آرد - که کدام یک زیاده است بخش است -

بعضا قسم نه ملت آلمان حد حق بسیار زیادتی که صدام - و اهلای ایران در پاره - برزا علی اصغر خان را بد و قتل - هر قدر آسود اعظم بخدمت برکت و دولت آلمان کرد - این صدر اعظم حیات ملت و دولت اسلام نمود - هر قدر او دولت آلمان را قوی و مقتدر ساخت و در نزد دولت بیگانه عزت بخشود - این دولت ایران را از قوت و اقتدار انداخته و در پیش دول سائره ربون و ذلیل ساخت - هر قدر او ملت آلمان را در میانه ملل سر بلند و معتبر نمود -

در بزرگات این شخص ناقل و معروف - آشکار معلوم است که استقلال و اقتدار ملی اگر لذ دست برود دوباره تحصیل کردن او مشکل است - ملیت هر طایفه بسته به استقلال آنهاست - و اگر نه در صورتیکه اجنبی صاحب خانه محکم نباید - و باقیاد خود مجبور نکند - رقیبت است نه حریت - خلاصه چون ایرانی وطن دوست و تبعه صادقه پادشاه دین بناه هستیم ما ذونیم که بهینم

این ملت ایران را در تمام سرافکندگی و خوار گردانید -
 هر قدر او بر ثروت ملت و دولت آلمان افزود - این
 ملک و ملت و دولت ایران را از ثروت بی سبب کرد -
 او دولت آلمان را در وجه شاهی پادشاهی رسانید -
 این دولت ایران را از مقام شاهنشاهی بیادشاهی
 تزلزل داد بلکه
 این است میدان منار علم و جهل - اگر میرزا
 علی اصغر خان هم مانند بهارک علم داشت و از طریق
 صداقت و دانش در صدد نام بلند خویش بود هر آینه
 همان لپادیکه بهارک در اهنزارت ملی حاصل نمود او
 نیز میتوانست حاصل کرد - ولی هنوز در ای ایران بی
 مدین ندانند نه برده و از جانشی آن حفاظت واقف
 نگردیده اند - ازین و بعد همین موازه را نابدوزرا و
 صدور ایران عاقبت خود قرار دهند - هر کدام مسایقه شان
 بگو آمد اختیار نمایند (ع - م)
 پروگرام سیر فرمانفرمای هند
 (از ۶ نومبر تا ۱۷ دسمبر)
 ظهر ششم (نومبر) فرمانفرمای هند از شمله حرکت
 و هفتم ساعت نه صبحی وارد پتپاله خواهند شد -
 ساعت دوازده و نیم مهاراجه پتپاله ملاقات رفت
 ساعت دوازده و چهل و پنج دقیقه فرمانفرما بلزید
 خواهند نمود - عصر همان روز مراسم نصب عمده
 ملکه متوفاه را معمول داشته شب را از جانب اطراف
 دعوت شرمک خواهند گردید
 هشتم نومبر ساعت ده صبح از پتپاله حرکت و صبح
 نهم وارد (تابه) خواهند شد - در نهمه مهاراجه
 ظهر ملاقات رفت - فرمانفرما نیز ساعت یک بارید
 نموده شهر را گردش کرده اصطبل مهاراجه را معاینه
 خواهند نمود و شام از جانب مهاراجه (تابه) مهمان
 رسانه از فرمانفرما خواهند شد
 دهم نومبر ساعت دو و ربع از (تابه) حرکت و
 بیست و پنج و نیم در (سنگرود) وارد و همان شب
 مجلس مهمان مهاراجه (چند) را رونق خواهند

بخشیه یازدهم نومبر ساعت دو و نیم مهاراجه
 (چوندر) فرمانفرما را ملاقات - و فرمانفرما نیز از
 ایشان بازید کرده همان روز مراسم افتتاح بیمارخانه را
 معمول آورده بیست و سه شب حرکت از (سنگرود)
 خواهند نمود
 دوازدهم ساعت هشت در اطراف (پاولپور) وارد
 خواهند شد - حکومت بحاجت در ایستگاه راه آهن بمجهت
 بدیوئی حاضر خواهد بود - ساعت یازده روز نواب
 پاولپور ملاقات فرمانفرما آمده ساعت دوازده فرمانفرما
 بازید از ایشان خواهند نمود - در شب همان روز فرمانفرما
 درباری معتقد و اختیارانک نموده ملاقات را به نواب
 موصوف خواهند سپرد و مهمانی پر شکوهی از طرف
 اطراف از فرمانفرما خواهد شد
 ساعت نوزده و نیم شب فرمانفرما از (پاولپور)
 حرکت و بیزدهم نومبر ساعت هفت و نیم صبح (خابور)
 خواهند رسید شب را از (خابور) حرکت فرموده
 چهاردهم نومبر ساعت هفت و پنج دقیقه در
 (پونک) رود وارد و از آنجا ساعت ده و ده
 دقیقه حرکت بخوامد نمود
 پانزدهم نومبر ساعت نه صبح وارد حیدرآباد
 ستاد - و صبح شانزدهم نومبر از حیدرآباد حرکت
 نموده وارد کراچی خواهند شد - کشتی (هارنچ) برای
 رکوب ایشان حاضر - غوری هواری شد بجانب خلیج
 فارس ترهیدار خواهند گردید
 هفدهم دسمبر سکه ماه بعد از آنست دعوت
 تکلیکته خواهد نمود - لیدی کرزن زوجه محترمه شان
 نهم نومبر از شمله حرکت و در کراچی به فرمانفرما
 ملحق و در معیت ایشان سیر خلیج فارس خواهند
 رفت
 ترجمه از روزنامه
 نیویورکیای روس
 نازکی شرکتی از صرافان روس منعقد شده تا راه

آمن جدیدی که به اتفاق شود برای آهن آلمان در بغداد
معمور باشد - این راه آهن در مشرق و شمال روس
گسترده و طولانی است و کمترین مسافت را در میان
جانب کشیده و خط آهن را در مسافت طولانی این راه
آهن به جهت سهولت و بیخ میل خواهد بود و همچنین
حاصل شود آن را در مسافت طولانی منتهی روسی نموده اند
ترجمه از روزنامه استیتمن

چندی است اخبارات روسی درباره راه آهن جدید
تا بلخ و لریق مقالات می نویسند - در این ایل مشترک
از صرفن روسی نقشه کشیده بوزارت تجارت پیش نموده
مخبره می باشد که راه آهن اروپائی روسی را بجنوب و
مشرق ایران گسترده دارند - بموجب این نقشه راه جدید
از شمال و مشرق تا (سوانسکینسک - نیکولیم - و
خرمن) کشیده خواهد شد - در استیگاه (شانکا)
متصل به راه آهن (کرسک - و سیواستوپول) خواهد
گردید - راه دیگر از (شانکا - و کرسک) کشیده
برای آهن (آفونه) و (نوروا و اسیکس) که قرب دریای
سیاه است ملحق خواهد گردید - و از آنجا به دامنه
کوم (کاکشس) که بلووان که قریب سرحد ایران است
کشیده خواهد شد

این راه آهن علاوه بر منافع تجارتی فوائد سیاسی
و جنگی نیز برای روس بسط دارد - و از کشیدن
این راه آهن بسطت بین وارسا - و قانس ماژ (۲۲۴۰)
میل به (۱۹۸۵) میل نیز خواهد نمود - تخمین میسازند
این راه هفت میلیون پرا شده
المواد است که این راه آهن الی طهران کشیده
خواهد شد و بعضی را عقیده این است که این راه
برای شکست مال التجاره آلمان مفید واقع خواهد
گردید و بذریعہ این راه آهن مال التجاره روس زودتر
بشاک ایران خواهد رسید
بسی است که برای دولت روس هرگاه این راه
را تا جنوب ایران و خلیج فارس آورد زیاده مفید
واقع خواهد گردید

همچنین - **ایضاً**

ت اخبار مذکور من باب دربار فرما فرما در بغداد
می نویسند که این خبر بی اصل و بی مأخذ است - لاردرزن
فرما فرمایند که را ابدأ قصد و تصور وقتن به بغداد
سوده و نیست و هرگز ایشانرا خیال بر آن نمیداشد
که دربار در خاک دول دیگر نمایند

اخباریکه ستونهای خود را با مقالات بی اصل پر
کرده و (لاردرزن) را شباهت به هارون الرشید
میدهند قابل تمجید یا شایسته تاسف اند اخبار حوالان
بهر میداد

ترجمه از رنگون کزت

حکومت رنگون عمده التجار و الاعیان آقا محمود
صاحب تاجر شیرازی ویس قونسل دولت هلیه ایران
را بصورت محکمه صفائی بلد و اداره مدیه رنگون
(ممر آتی دی میونسپل کیتی) مقرر فرمودند ایرانیان
رنگون ازین معنی کامسرت را دارند

سرحد بندی الاسکا

رویداد کار روائی اعضای کمیسیون (الاسکا) را
به نفر از اعضای امریکا نهاده دو نفر دیگر که از
کنیدا بودند بدو اعتراض کرده امضا نموده از مجلس
برخواستند - این حرکات اعضای کمیسیون را مورت
رعیدی گردید

اعضای کمیسیون کنیدا ازین رو اظهار عدم
رضایت نموده که مناقشه کنیدا فقط برای آزادی
رودخانه (پورتلند) بود

اریاب حل و عقد کنیدا منتظر فیصله سرحد بندی
(الاسکا) میباشد - یکی از بزرگان بیان نمود که این مسئله
حله سختی است بر کنیدا که تاکنون نظیرش دیده نشده
وزارت خارجه امریکا فیصله سرحد بندی (الاسکا)
را در مجلس وزراء پیش کرده عاقبت طرفین اظهار
مسرت نموده تبریک گفته اند - فیصله این امر را یک
گونه پیشرفت بلتیک برای دولت انگلوزی تصور مینماید -
که فوائدش بطریق ارت باها باید خواهد گردید -

مکتوب یکی از وطن خواهان غیور...
جواب اطلاعات - محتاج بیان نیست که امروز ملت
ایران سجنان نامه منفس و با بسام استقامت خود و خود
آن وجود مبارک را لسان ملت قرار دادند. و در واقع
جزایم ستوان داشت زیرا که مندرجات جریده منفس
مانند درمنور از شواهد عرض و فصاحت دور - وطن
و ملت پرسان را لازم است که آویزه کوشی و کردن
سازند - ایست که از هر نقطه جهان ابناء زمان روی
بار بدان سوره نامه - علم و حاصل - امیر و وصیت - قیوم
عق - شیخ و شاب - بزرگ - و کوچک - هر در و مطلب
در مد باداره جبل المظن هزار گونه مکتوب شکوه و
شکایت میکارند - ولی مثل نیست ای همه مردم سخن
از صدق و مسا گوید و محال وطن و وطنیان گیرد -
آسایش ملت و بی نوع خود جویند - بر واضح است که
در میان ای همه خالق مفرضات عرس گو و منفسدان
کینه جو نیز هستند

ای بسا ایس آدم روی صحت

پس هر صفتی بساید داد دست
چون در اداره مقدس ها بروی عموم باز بینند
هر کس عرسی و یا کینه دیرینه و خصمی و عداوتی با
کسی دارد از کثرت عرضه و هجوم حسد آنچه بدل
آید بران راند و بقلم آرد چنانکه در نمره های آخرین
در علیه یکبار از رجال عظیم و غیور ایران بعد از
فاضل معلول آن شخص محترم را مدح ملک خائسان
حاضر نشان کرده - ولی واقفان کار و مردمان جنت و
هوشتور بایدک تأمل در بیاند که بوییده را جز عراض
تعمیلی و حسد روحانی و عداوت حیوانی نبوده و
مطلب مهم و اصلی ندانسته و بدان باوه گوئی برخورد
بالرجه و شاید هم گفته باشد - خوب - بوشم - بچب است
در کون يك - ایان آهم کافر - در هر صورت این
بنده هیچ برزنده بیکه ایندی آتوطن گرامی هستیم
- محب صادق جبل المظن زبان مله - آبدای حق دارم چید
کله باداره مقدس شویم - اگر معصیت دانند در ج

صیغه منفس، فرموده که مزید سواد کوی تو نشانی
کرده
با کمال فروشی آبرو اتقان توطن بقوم مناسبت
که غرض گوئی و حسادته او نفعش اینست که
گذارد - و سخن از سر و بخت برینست و چنان
کنند که از دل خون نیاید - باطلست اگر این صفت
بدخت پویشان و نیم ملاحظه شهبان در تمام جمع
بروز ستر و سخت تر میشود - هیچ - بچب ندرت مگر
اینکه انسانی دولت شبید و بود در آنکو طایون - عالی
در نبرای اقران مخوند و بیوسته - این اندیشه بلند
سکه جزا فلانی با فلان الفت و محبت نموده بود جزا
حضور حضرت بادعا بخت - و بچه بچب این کتابچه را
گفت - و بچه بجه گفته فلان - خبردا فلان سخن و اذار
باید کرد - او را عزول باید نموده - فلان سخن طرفدار
است بسرکار باید و داشت - ابدآ توجه و مخیال ایشان
در جستجوی درمان دند و مرض ملک و ملت نیست
اگر يك ذات ایمانی افکار خود و او در ماطلاح و ترقی
ملك و ملت بکار بردندی - و در جوانی بسور موانع
کار بردندی - همآینه تا حال عموم بکارها بر وجه معصوم
اصلاح پذیر شده بود - چه فایده که تا حال چنان وزیر
بدرست نیاورده اند - لکن بود چندان شبانه - حید ما
با غیر اندرون شده با جان بدن بروه
بیکه افکار مدبریشان و عقلی و مخیالی معصوم
است اگر در يك غیر همان مطلق بنیم هزاران احد و
جهد نایم سکه بدانیم از یکجا بچینک - آتوطن - باکر
بسبب راه نبریم هر دو سخن بی سرودم تراشیم - مردم
اگویم که فلانکس از فلان راه بخیانت تحصیل کرده
آموده - و اگر چنانچه بکفر برادر بدی بچب ترقی
ببینج در مجالس و محاسن این آتودت رسالت در حق
او عیبا گویم - ابدآ خود داری نکند - در زبان دانیم
و که هر چه ایوی جید فلانکس با بیهوشی فلان
اگر بود - و خود بدوش راه دیم چه کاره بود و
باید داره سکه فلانکس در فلانوقت بچه بیکر

علی اکبر انکسار باطن نمود و از روش کار مطامع
 بود و همان تیری که بر سینه حکمرانان تازیگان که بودند
 ازین جهت ترقیاتی در جهت او پیدا شد و یکی در
 - عمل جوشیده است که بر او میگذرانند لطیف
 مدت با هیچ آیه فخری که در هر کس که بود
 شد که هر چه در دست بود و غایب بود
 در راه بود و در راه بود و در راه بود
 اما اگر تیر چنگ نماند و میخواندیم ما را امید
 نیامده - در اگر بدو ناید شاه افشار را میدادستیم
 چندی و حکمت خدا تعالی نیز در (تو تو) الله من
 قیام (پیدا) با جانری آوردیم - اگر از شغل و کار
 موسیو کار بود و در ریس و در ریس فراموش مستحضر
 بودیم در ترقیات المسافر سخن لغو و چه بود میگفتیم -
 در عاقل و محافل از کردار و اقوال خود خجل
 میگفتیم - این جور چیزها را نخت گویند یا سر بوش
 خوانند با از لطف آملی دانند یا تحصیل نامد یا برایت
 و قابلیت سرانند - این مباحثه فیاسوفیست اختیار لر
 خود چنانکه که نیست که کسی کشود و نکشاید بحکم
 این همه ساله گوش کن و دم سخن
 از میدان کسی گوی دولت وجود
 که یا بکنزه خون شیمارش بود
 سعادت حکمین باید از روزگار
 که در خلق نه که یاد کارش بود
 قلامی زیدوم و ز چین آورند
 چه شایسته باشد حکم سروری
 جو فرزند شامیان بود ناخلف
 نیند از هر جا بجز بز نری
 در متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخن صلاح نه
 پذیرد (بل سوت لکم انکم امرأ نصرا حیل)
 حاصل کلام این بنده فقیر است که هر چه وطن
 باید قول و گفتن مطابق باشد
 این من خدای آنکه دلش بفرمان یکست
 در حفظه باید در ترقی و اصلاح کوشید وطن را

عزیز و هوس را غنیمت دانست - که فوت بشود
 و عمر که اما بدو بد تحصیل آبرو و پیشرفت امر یاد
 و مناس اینسای وطن صرف نمود - اگر این دره
 سری را دوا بود و در برهه ری هم برای وطن
 که از بر قانونی پاریش شده نکوشد روز روز وطن و
 ابای او در تبه جهالت سرگردان مانده در نزد دوست
 و دشمن سر افکنده شود بر این مات ضعیف رحم
 باشد - که زیاده ازین از پای بعد (من لا یرحم الناس
 لا یرحمها)
 این درد بیدر ما را علاج قانون نیست - همانا چه
 زود تر بهتر علاج باید کرد - حق قانون - سر ب
 قانون - غذا قانون - در قانون - آب قانون - دانه
 قانون - رفاهیت قانون - سلاح قانون - قلاح قانون -
 مات را از حسد و غرض و ارتکاب مع باید رطبه چه
 عرص شود
 گر نیند بگوش رعایت اس
 بر رسولان پیام باشد و اس
 امیدوارم ماضی را ماضی شمارد و در صلاح حال
 قوم دقت و معرضان و حسودان را خود گذارند
 مردانه و برابرانه و برادرانه در اصلاح نفوس ملت خود
 کوشید
 گرت خوبی من آمد تا سراوار
 تو خوبی یک خود اردست گذار
 سعادت - و درم گویند (و عالم باقی می احسن)
 امیدوارم که نواص دولت و مات را مصلحت بنویسند
 انشاء الله تعالی زحمت چندین ساله با مة مقدس جبل المتین
 بی عمر نخواهد ماند - تا حال بسیار خدمت کرده امید
 صادق و رجا و ائق است که من آمد بشن از پیش
 ترقی کرده سبب بشرف مات شود و ثمرات فوق العاده
 ظهور نماید اقل (ر - ع)
 مجلس مدواس
 جناب نواب سید محمد نصرت محاس واضح آیین
 حکومت مدواس منتخب گردیدند - نواب مدوح بر پند

دولت روس در مقاصد خود و سیاست نگردید و امیدوار بودند که حکمت عملی لاردرگزین خود و رسوخ دولت انگلیس را در هر حیث بر روسیه سبقت دهد. و از قوت موجودات روسها در هر مقام بکاهد. ولی میباید از امیدهای آنان تاکنون برآورده نشده البته. میتوان گفت چند اقدامات مفیده نموده است.

مثل اینکه قوه دولت انگلیس را در بلوچستان زیاد کرده. و هوشی را به متصرفات خود ملاحظه ساخته و راه آهن در میان نوشکی و کویته انداخته و تملیاز کشیدن سیم تلگرافی جدید از دولت ایران حاصل نموده است. معذک جمله کارروئیههای او نظر بان منشاء اصلی و مقصد کلی انگلیسان که اضمحلال قوت و رسوخ روس باشد نتیجه بر عکس بخشید

لاردرگزین فرما فرمای هند در اوایل سال (۱۸۹۹) دولت انگلیس را آگاه کرد که امروز ابداً موقع و فرصت آن نیست که هیچ یک از امور لازمه به پردازد. و قتیکه مشکلات دولت انگلیس در افریقای جنوبی آسان شد سه سال گذشته بود. و همین نکته سبب گردید که فرما فرمای هند لاردرگزین را اضافه میعاد حکومت دهند. تا مقاصد را که از ابتدا مد نظر داشته انجام تواند داد. چه در آن زمان خود هندوستان بدون محافظ و قشون. و تمام قوه خود را با افریقای جنوبی فرستاده بود. و امید هم نداشته که اگر موقه پیش آید بتواند امداد و تأیید حاصل کند. چون موقع را لاردرگزین نیکو ندید سکوت را اولی داشت. و قتیکه موقع او را بدست آمد ختم میعاد حکومتش در رسید

برخی را عقیده بر این است که (لاردرگزین) فرما فرمای هند آرزوها و امیدهاییک دولت انگلیس بدو داشته خواهد بر آورد

ار تلگرافی (روز) که از جمله وسیده. فرما فرمای هند عقیب. خیال مسافرت عمیه را دارد و آن مسافرت بعد از سپهر چند ایامهای بومی حد بحساب مسقط و بعضی ایامین خلیج فارس

ارجمند میر هاپون چه از خاندان بیوسلطان مرحوم و یکی از سر بر آوردگان و معاریف شهر و شریف مدراس و بسیار با زیر دستان رؤف و مهربان است

ترجمه از روزنامه

نویزیمای روس

روزنامه (نوبوریا) در خصوص اضافه میعاد حکومت لاردرگزین فرما فرمای هند بحث کرده چنین می نوسد. که لاردرگزین فرما فرمای هند پنج سال است فرما فرمای هندوستان مأمور. و این آخرین مدتیست که دولت انگلیس برای فرما فرمایان هند مقرر داشته است. انک مسموع میشود که دولت انگلیس اضافه در ایام فرما فرمای لاردرگزین منظور نموده. معلوم نیست که تا چند زمان (لاردرگزین) محدداً فرما فرمای هند مقرر خواهد بود. آنچه مشهور شده دو سال است

لاردرگزین در فریر خود با اعضای شورای خویش درباره اضافه میعاد حکومت خود بیان نموده که قبول این امر برای آن بوده است که بعضی اصلاحات ضروری و معاملات سیاسی که در زمان حکومت (لاردرگزین) سر صه التوا ملده انجام دهد

روزنامه طمس لندن میبوسد اصلاحات را که فرما فرمای هند مد نظر دارد به قسط در داخله هندوستان است. لکه در متصرفات هند و ممالک قرب و حوار آن نیز اصلاحات ضروری مد نظر دارد

مساهم دولت انیس رأی طمس و خیالات آرا بهتر دانسته است. لاردرگزین شخصاً مدبر و با سیاست و یکی از دیپلماتهای این عصر. و محل اعتماد تمام دولت انگلیس است. بدو آدوات مشارالها از خیالات عالیة او در متصرفات آسیا کابسی واقف نبود. در سال (۱۸۹۸) که لاردرگزین فرما فرمای هند مدبوسد اختیارات انگلیسی میباشند که عنبرب فرما فرمای جدید خود دولت انگلیس را در آسیای مشرق زیاد خواهد نمود. و کوشش خواهد کرد که

خواهد بود ... آن ... رسوخ و نمود
 حکومت هند نیز آنها ... خواهد
 کرد و ... به بعضی شیخ مسکوسجک
 مرفقی خواهد نمود و ... حکومت هند را
 با آنان زیاد خواهد ساخت ...
 ۳۰ جای ... است که مسافرت لارک کرزن
 دولت انگلیس را هبید و لفق تواند شد و ... از این
 نکته غافل نباید شد که رحمت و شوق دولت مشارالها
 از زلفی که کشتیهای جنگی و تجارتی روس در آن
 سواحل عبور و مرور می نماید متزلزل گردیده ...
 و متواتراً کشتیهای روس در آنجا به آمد و شد
 مشغول خواهد بود و شیخ های کوچک عرب و
 شیخ کویت محسوس خواهند نمود که رابطه بدیدی
 باید حاصل نمایند و بید دست که طاقت مجبور به
 پیروی همین حکمت عملی بشوند ...
 جواب مسافرت لارک کرزن بخایج فارس چه باید کرد ...
 موضوع بحث است

بوشهر

وقایع نگار جبلالتین مینویسد که از اخبارات
 موثقه ظاهر می شود که دولین عالیین عثمانی و
 ایران محض پذیرائی والا حضرت فرمانفرمای هند
 هر يك كشتی جنگی با امیرالبحر خواهند فرستاد ...
 که از روز ورود تا بهین خروج فرمانفرمای
 هند هماره معیت ایمان را داشته باشند نمی توان گفت
 سخنه این حکمتیها برای نگرانی است با محض
 پذیرائی ...
 از تفرار مسروع کشتی جنگی روس نیز در همان
 ایامیکه فرمانفرما بسیاحت ظلیج فارس مشغول باشد در
 سواحل فارس بگردش خواهد بود - هنوز معلوم
 نیست که فرمانفرمای هند در متصرفات عثمانی رسماً
 یا غیر رسم بختاك آید ولی از قرائن خارجه چنان
 ظاهر میشود که فرمانفرمای هند در خاک عثمانی
 وارد نمود - و زیاده این مسافرت بواسطه تدابیر

کشیدن راه آهن از عدن تا بندر (کوت) است - ولی
 درین امر نیز مشکلاتی چند برای دولت انگلیس رخ خواهد
 نمود یعنی کشیدن راه آهنی که مد نظر دارد باید
 از خاک عثمانی هم بگذرد - مسلماً اگر فرمانفرمای هند
 صحر بر این امر نهاد - بهر قسم دولت انگلیس را ممکن
 باشد جلب این امتیاز را از دولت عثمانی خواهد نمود -
 بموجب خریدگی بتازگی از شیراز رسیده جناب
 مستطاب (علاءالدوله) سردار و فرمانفرمای ایالت حلیله
 فلس برای پذیرائی فرمانفرمای هند لارک کرزن رسماً
 بوشهر خواهند گردید - گویا عمایوت جناب مدحت لدوله
 ملك التصار بوشهر را دولت عایه ایران برای قیام
 فرمانفرمای هند معین فرموده است - شرح حالات را
 مفصلاً در موقع خود عرص خواهد نمود

تأسیس

جناب مستطاب حاجی سید احمد طباطبائی باجراصفهای
 که از چندان بزرگ و ذوهان عالی و از سلسله امین
 التجاریهای تبریز و اجله تجار ایرانی رنگون بشمار بود
 داعی حق ولایت و این جهات فنی را وداع نمود
 حاجی سید بلهد بریدی فیروز و حوش احلاق و
 عبیر بود - فوب آن مرحوم از صایعات بزرگ ایرانیان
 آسوت مشار است رحمة الله علیه رحمة واسمه ...
 نقل از مروزنامه شریفه نوووز ...
 این ایام بزرگان کرمان تشکیل انجمن شرکی داه
 اند که از عرفان ستا یزد را کالسه و درشکه و دیچند
 و بارکش راه اندازید - تاکنون دو هزار تومان جمع شده
 و هم سهی سده بجای نوظاف قرار داده اند - مؤسس این
 انجمن جناب (افضل الملك) کرمای سوسحاب معتقد دیوان
 است - اگر ایندو شخص بزرگ این کار را بطور صحت
 و درستی با آخر برسانند خدمتی بزرگ بوم خود نموده
 اند که ما دام الدهر خیر آن عائد بآنها خواهد گردید -
 اداره نوز هم يك سهم از آن سهام را خریدار
 خواهد گردید - پس از راه افتادن لیجان مفصلاً اسامی
 شرکا و شرح زحمات مؤسسين را در ج و اعلا خواهدیم

کرد بنفد تهریک و تهذیب خود را باین فوشخص بزرگ
خبر حواه ادا مینایم

امیدواریم که در نظر عنایت پادشاه کار آگاه معارف
گستر عدن پرور شاهنشاه اسلامیان بنام اهلحضرت
مظفرالدین شاه خلدالله ملکه مسالک و معابر آباد و
مات آراد در تعمیر و تکمیل نواقص خود بگویند و
نوع خود را از دلب و احتیاج برهانند

اعلان شرکت اسلامیة

شرکت مقدمه اسلامیة اصفهان سکه تاریخ ترقی
ایران و محط نظر اعلیحضرت قدر قدرت شهرپادی
خلدالله ماکه و رجال دولت ابد آیت و محل توجهات
عالی اعلام کثرالله اشاهم و غیرمندان وطن دوست
است ارادتای شروع که مقصودش ترویج امتعه وطن
خصوص منسوجات آن بوده و باید در اول و حله
مبالتی صرف این کار بلکه مخارجی بسیار کند از نیت
شرکای صادق الحیه در ساله اول و دوم و سیم تقریباً
صفت سرمایه بشرکای محترم بابت فواید پرداخته شد
لیکن در این دو سال اخیره با کثرت خسارات و تعطلت
محاسبات همین قدر در تقابل این صعولت و لمطبات و
اشکالات عظیمه بایمداری و استقامت و استواری بود
و چنانچه در سال قبل وعده محاسبات دو ساله دادیم
با زحمت و مسافرت اجزا بجهت تصفیه محاسبات هرات
حرب و عجم حساب دو ساله صاف و بتصدیق امنای
عظام و رؤسای نظام رسید بهره علی السجاده باید شرکای
محترم نگردید

لنا - اعلام میباید بواسطه عدم رغبت اهل وطن
منسوجات داخله سکه همده مقصود بود از وسط
سال قبل بعد دو نلت از منسوجات را تبدیل بسایر
مالالتجاره طایفه محتاج الیها و احناس نوظفی نمود - که
شرکا را انشاءالله از فواید آن در سنوات آتی بهره مند و
خورسند نماید - فقط بجهت توجه غیرتمندان خاص الخاص
ملت سرمایه را در داد و ستد منسوجات گذاشت که
نیات خیریه ایشان را استقبال نماید مغایره بین منسوجات

بپای ادلاره میگزیداست - هرکس از حرجا طالب است
بوجوب فصول نظامنامه اسلامیة بجمع نماید و این مجموعه
امانات و تجاوت را مجزی نمود سکه ایجاب میباید
مراجعه بشاید صورت حساب مطبوعه بجهت شرکای
کل فرستاده شد - چنانچه شرکای جزو هم مطالب بانند
اصفهان در مرکز و سایر بلاد و ریزد و کلای محترم
همان قطعه موجود است دریافت و مطالعه فرمایند که از
جیباب دو سال اخیر مستحضر باشند - طهران مغازه
سابق اسلامیة در بازار تحت اختیار جناب آقا سید
محمد حسین متعمدالسادات مفتوح است طالسین محترم
رجوع نمایند فی شهر ربیع الاول سنه (۱۳۲۱)

اخبارات خارجه

§ لارد جارج هماین ضمن تقریر خود در (اینگل)
اظهار داشت که استغای او مورث نجات وی گردید -
ستر موصوف میگوید که من راضی بودم برای دولت
خود جان خویش را فدا سازم - و منصرفات را تا جائیکه
بقوه امکان بود فرمانبردار دولت نامم - و ضمناً اظهار
داشت که از زحمات این عهده بختنه شده بود - و
چندی قبل نیز خیال استعفا داشت

§ وزیر خارجه روس يك سلطنت کامل با وزیر خارجه
فرانس عهد داشته از آن پس پارلیس جمهوری فرانسه
تغییر نموده و شوره گردید است

§ هسته از قشون روس وارد شهر (مکدن) شده
و برج و بارو ها متصرف شده بهانه شان این است که
اصطالی در جوش و خروش و حکام صبیح در انفراد
نیران کامل نموده بوعده خویش وفا نمی نمایند

§ از عدن تلگرافاً خبر رسیده که روز چهارشنبه
قشون بجانب (سومالی لیند) حرکت نمود و افولاسته در
(لشکرائی) یسر سلیمان (اوپه) در (الیکید) بر
مراهمان ملای مفتون حله نموده سبب فرشان را
بقتل رسانیده است - میگوید سبب فرشان لشکریان ملا
کم شده - شتران خویش را ذبح نموده میجویند
§ پاریس بین پلیس و عملیات زد و خورد واقع شده

حلبت آذربایجان، آنگاه بجانب بلیس برنگه
میگردد. این عملت بود و قزلباشان بخروج نگریده در
عقباته عوایدشان گرفتارند.

۱۰ - مجبوروزن از یکی بخبروا که در خصوص آتش زدن
قورخانه انگلیس و سفارتخانه که ۱۶ اکتوبر رسیده
بود خبر میدهد میگوید - خط بسته قزلباشان چینی بستند
حرفه در آنجا و حقه بعضی اشیاء از قبیل تنگ و غیره را
برده اند.

۱۱ - وقایع نگار استعدود از جبهه انبارک میگوید که
ظاهراً تدبیریکه برای بهبودی ترأسوال شده تا آخر
جنودی میگردند واقع نگردد و بموجباً چنین ارا بجزدوری
اجیر نمایند.

۱۲ - (مستر جبراین) ضمن تقریر بخود در (تأمینیه)
اظہار داشت که اراکان نبود که در انتخاب عمومی
وزرا املاتوانی پیش آید - بین تقریر بیان نمود که او
برای خود مستقیم و در پیشرفت مقصود خویش سعی
است - اگر کامیاب شد ناوقتیکه اهالی مستعمرات یک
مرتبه انکار نکنند دست بردار نخواهد بود و یا آنکه
اهالی انگلند قبول نمایند که ما قوه ادواک این معنی را
نداریم.

۱۳ - پادشاه ایتالیا در (وین سینس) سان اردوی
بزرگی از فرانس را ملاحظه فرمود - پادشاه موسوف
و رئیس جمهوری فرانس جام محبت یکدیگر را پوشیده
مذاکره ایامیکه قشون دولتین مشار الیها هم دوش در
مقابل دشمن ایستادگی کرده با کمال مسرت مینمودند.

حاشیه از شرح پلتیک و خیالات

آقا میرزا علی اصغر خان

صدر اعظم معزول ایران

نمونه ۷

چندان از سود این زبان و فتح این خیران حضور
شاهانه بر سر د تا جیتی و جلالی که از خصائص اوست
قد مبارک شاهنشاه را بسوی کلمات باطل خود طائل
ساخت - همینکه سید نزدیک بدام - و کار بکام - و

افسوس تأثیر تمام - و تیر مرادش به زبان نزدیک و
مقتضاتش نتیجه مقصود بخشید - سخن از سر گرفته قریب
باین سخنان را بعرض رسانید

خداوند کارا - بنای امر را با یقین محکم و
مقتضی نهاد و عاقبت اقبال و اعمال را بنظر سیاست و کیاست
که از خصائص مردمان طیب و دانایان بصیر است
ملاحظه و وقت کرد - با از آن پس باعث پیشانی و
مورث بریشانی نگردد - که در امثال صروف و موسوف
شده که (جنگ اول) از صلح آخر است) در
این استقرائش مسلم است باید ملاحظه از طرف مقابل
ایز بشود -

قریان - درد سر و جملات از حد گذشت - و
خطر مبارک مقدس آزرده گردید - ولی ناچار دو
مضلات امور و مشکلات مهم دولت بحث و گفتگو
لازم است - چنان ازین قبیل سخنان مقدمه جید و
مبادی ذکر عوه - و تمیل و شاهد گذراید - تا اینکه
شرط ذیلرا بیادشاه صاف درون قنولانید -

(مادامیکه این قرض دولت ایران بدولت روس
کلاً لم بضاً باقی است دولت ایران حق استیاض
جدید از دیگری ندارد مگر پس از رضایت خاطر
دولت روس -)

چون این موضوع مغرور آمد و دو مین خر را
از بل گذرانید شروع در ناک تلامه نمود - بدو
شرحی از محاسن وفاق و فوائد تفاق و تخریب در
موافقت و معاضدت و صدق مودت و محبت و رعایت
حقوق پیشین و دوستی دیرین سرود - و قریب باین
عناوینرا تمیل آورد

یار چه در کار نباشد عم است
کار که بی یار بر آید کم است
محبت آنکس که به مهر و وفاست
دامن او گیر که اهل صفاست
میل کسی کن که وفایت کند
چون سپر نیز بلایت میکند

بهر چنان دوست که حانی بود
 دوستی جان زگرانی بود
 قربان - باید طرح مصادقی از نو ریخته و عقد
 مصافاتی تازه بست - قانون محبتی باید نهاد - که از
 زلازل شایده روزگار انصاف نیدرفته - خالی در بیان
 واستواریش پدیدار نگردد - در جای اقدس مشهور
 است که مرغان بزرگ رعایت رفیق شفیق و دوست
 وفیق را بر ملاحظه مصالح خود مقدم داشته اند -
 بویژه دوستی چون امپراطور روس (که میتواند کینه
 دیرینه و آتش سینه او را عین تدبیر که ریخته از دولت
 و ملت ایران و شخص مقدس پادشاه آن بستاند) که
 حاد در روزگار چون وی نزلده - و گردش ایل و سار
 نهالی بدین رو مندی پرورش نداده - رب النوع صدق
 و صفا و آیت مهر و وفاست - اینکه ملاحظه میفرمائید
 دیگران کمتر سویش روند و باوی طرح الفت و آشنائی
 نریزند - از شدت سوء ظن و کجی خیالست که او را
 مردم چون طام عموده - رؤسا و حکمداران ممالک
 و فرما فرمایان عباد را از او رمانیده اند - تقریباً
 مضمون این آیات را به متر در حاکمبای مبارک
 عرض مینمود

گفت رو به آن طام سحر بود
 که تو را در چشم شیری مینمود
 وره من از تو به تن مسکین نرم
 که شب و روز اندر آغجا میچرم
 کبره زان گوه طلسمی ساختی
 هر شکم حواری بدان جا تاختی

باید قرار صحیحی رای این وجه استراضی گذارد

(۱) منابع آبر سدی پنج قرار داد - زیرا چنانکه
 معلوم است دوا روس دارای آفتاب هول و تروت
 نیست که این وجه را از خود بدهد - باید از قرار
 سدی سه یا سه و نیم اردیگره قرض باید سدی یک
 نیم نیز بر آن افزوده که سر او هم بیگانه نماید
 (۲) باید قلم اختیار نام او را بچسبید - که اگر

وقتی در ادای وجه نطق در مسودات سابقی نازل شود
 معین ادای قسط تأخیر اقتضی - و تواند از قبل خونین
 مأموری با اختیار نام پادارانت گیری ایران فرستد
 معادل قسط پس افتاده خود را بآخذ و ضبط نماید -
 هر چند اقتضای قوت لیلی حضرت امپراطور و
 حسن فطرت و سابقه محبت او نیست - اما با الله و
 نستجیر علی الله چنین عملی از سوی سر زده و ولی
 اطمینان او هم لازم است - تا خالی در دوستی بین
 نباید نگردد - و در مصافقات و دوستی گلو نیز مورد
 ملامت نباشد

(۳) چون مقصود صدراعظمی انهدام ارکان دولتی
 ایران و انقراض بنیان سلطنت آن بود - اگر میخواست
 اندک قرض با اندازه ضرورت بکند - هرگاه اختلافی
 در بلیتیک روس و ایران واقع میگردد میتواندست ایران
 معادل آنرا از داخله تهیه و جمع آوری کرده بروس
 بدهد - و خود را از زیر این بارگران خلاصی بخشد -
 برای پیشرفت این مقصود عرض خاکبای اقدس رسانید
 حال که ما قرض میگیریم باید مبنای معتد به استقراض نمود -
 تا کارهای داخله را تمام اصلاح کنیم - قرض رؤی تأدیه
 شود - حقوق پس افتاده قشون و اهالی برداشته آید - طلب
 بانگهای مسکوری و دهق را داده - باقی آنچه نمی ماند به
 مصرف تسلیح طرق و شوازع و تعمیر سد بخروبه اهواز
 برای ازدیاد کشت زارها - و سرعت حملی حال التجاره -
 و ترویج درخ نیل و چای - و سایر کارهای نافع از
 قبیل آوردن فابریکهای بافندگی و تجاری و آهنگری
 و لوازم خورخانه و اتباع چند فرزند کشتی سعادتگی در
 خلیج اقیانوس و ساختن استحكامات در مرزها و
 سواحل و تعمیرات راه هم تهیه نمایم - و بازار تمدن و
 انتشار معارف در ایران رواج نماید - راه ها ساخته و
 فابریکها تکمیلند - و هم تشکیل دهند که حوائج کربوه آید -
 و ضمن عاقل باید چاهت به سیکر برا ملاحظه کرد و
 دنبال کار خود بشرد نیل بنینند - سکه نایباً برای رفع
 احتیاج محتاج بجاو نگردد - و چنان تهیه امور شود

(در پست) سه ساعت کامل با (کونت لسدروف) وزیر خارجه روس تخليه و منوره داشته اند

قشون اتارونی از (کولمیا) خارج شده - بوعاز (ایستس) را به باغیان واگذار نموده اند - اخبارات (یولوتک) رئیس جمهوری دولت اتارونی (مسترزبولت) صراحتاً بد گفته فرین میسکنند که در خفيه با باغیان شرکت داشته است

دولت اتارونی حکومت جدید باغیان را در (بناما) تسلیم نموده (کولمیا) جماعتی را برای عثارة سمایه که دولت اتارونی به باغیان (بناما) نموده به (واشنگتن) فرستاده است

گرفتاری جهاز آلمان در (وارمبارد) که در شمال و مشرق افریقا واقع است به تحقیق پیوسته - ولی رعابای روسی انگلیس را رها نموده اند

فوجی سواره و دسته از قشون پیاده دولت آلمان در (ویندهاک) به (وارمبارد) روانه شده اند

دولتین روس و آستریا از جوابیکه با پیمالی در تریدید مجوزات جدید آنها در باره اصلاحات مقدونیا داده رنجیده و آزرده شده اند - در حلقه سیاسیون اساهبول چنین شهرت دارد که دولتین مششار الیها وقتی را مترر سواهند نمود که مجدداً در باره اصلاحات مقدونیا که دولت عثمانی انکار نموده می و اقدام نمایند

بلوای عربها در ساحل دریای احمر بالا گرفته - داده است که قشون عثمانی را بلوایان شکست فاحش داده و پنج توبه نیز از قشون دولت مهارالیا غنیمت بلوایان گردیده است - دولت عثمانی دو کشتی از دولت روس برای حمل و نقل قشون خود اجاره نموده که از (مارسینا) به دریای احمر قشون خویش را بذریعه آن کشتیها سوق دهد

(۱۶ شعبان - ۷ نومبر)
(مستر جیبرلین) لعلای بدستخط خود شایع نموده بجه هزار لیرا برای اجرای مقاصد خویش و پیشرفت خیالات خود اوقات خواستگار اعانه شده است

(طمس) پاریس مینگارد که (تسیدولیکس) وزیر خارجه فرانس به وزرای دربار فرانسه خبر داده که در معاملات اقصای شرق اساس صلح و سلم قوت گرفته است

وقایع نگار (دیلی میل) تلگرافاً از وینا مینگارد که نتیجه ملاقات امپراطورین روس و آلمان این شده که اگر جنگی بین دولتین ژاپون و روس پیش آید دولت آلمان حامی روس و انگلیس ژاپون را برود

اخبار (دیلی تلگراف) از (شنکائی) و (دیلی میل) از (بنت سن) خبر یافته اند که وزیر اعظم دولت چین فرمانفرمایان سوبه جات خبر داده که بجمع آورده خزینه و قشون حکم صادر کنند که شاید در منازعه با روس لازم آید

سیر فرمانفرمای هند
در خلیج فارس

فرمانفرمای هند شانزدهم از کراچی حرکت کرده میجدم وارد مسقط - بیست و یکم شارجه - بیست و دوم بندر عینس - بیست و ششم بحرین - سی ام کویت - چهارم دسبر بوشهر - هفتم با سیدو بلودر خواهد گردید - در مسقط - شارجه - و با سیدو و انعقاد در بلودر خواهد نمود - در مدایا و نجف زیاده بقایا و جنساً بشیوخ عرب و غیره اعطای خواهد کرد

افغانستان

والا حضرت امیر جوان تخت امیر حبیب الله خان در مجلس قاعه سالانه جلوسوم بی حوری و الله واحد خود امیر عبدالرحمن خان که یازدهم در حبیب منعقد شده بود خیرات و میرات زیاد نموده - در مساجد و عمارت منفرجه و بیرون متوفی را نمودند - ملا مور سید خان در مسجد جامع کابل پس از نماز طلب مغفرت کرده همه آمین گفتند

روز دیگر امیر حبیب الله خان انعقاد در بار نمود و نام رؤسا از قصبات و شهرهای افغانستان حاضر و مراسم تخت شینی که پس از قاعه سالانه امیر مرحوم بایستی معمول شود بعمل آمد - امیر حبیب الله خان ضمن تظلمه در آن مجلس داد

انظار لطفت بر تملکات امانی از وبا کرده و در دفع آن شکر تلخ بجای آوردند و قهجد بسیار از حامورینیک در دفع این مرض ساهی بودند عموماً - بصله خدمات بصیرا امام و اکرام دادند - خاصه سردار عبدالله خان که ستازگی از مکه معظمه مداوت نموده بود انظار لطیف بی پایان فرمود - سردار موسوف معدن ذغالیرا در حین حرکت خود از افغانستان بکه پیدا کرده در صله این خدمت امیر معظم بیست هزار روپیه بخوا امام فرمود -

از آن بعد (خواص خان) سرکردگان (دکاخیل) و (کار خیل) را مجسود و مسایده - مدحق آنان بنی بر اعالی شایان شد - و مبنای در انام آنها مرعی داشت - از آن بعد اهالی افغانستانرا اطمینان بخشیده که انشاءالله تعالی مدرجاً کارهای ملک و ملت اصلاح می یابد - و نیز اطهار امتان نموده شکر خداوندی را بجای آورده که بر چنین مملکت آرام و رعیت مطیب حکمرانی مینماید - و هیچ گونه اسباب افتشاشی که موثر بی نطی ملک و ملت گردد پدیدار نیست

در باره مرض وبا بیان فرمود که نسبت بسال (۱۸۷۹) که از خیر تا کابل را احاطه کرده بود امسال شدتش پیش بود

توضیح

سوم نومبر مطابق دوازدهم شعبان چند مرتبه زلزله شدیدی در تریبیر که در نواح تربت حیدریه واقع است احساس گردید - سیصد و پنجاه نفر در این بیه هلاک شده و تمام کارخانجات قالبین باقی معدوم و بر باد شد - بالغ بر پنجاه هزار تومان که یکصد و پنجاه هزار روپیه باشد ببلعالی نقصان مولود آمد

(کیتان ایس) که یکی از افسران روس و در تربت حیدریه مقیم بود با دو کتری از روسیان چند روز است وارد تریبیر شده تدارک نقصانات و علاج مجروحین را مینماید

روزانه پسته اخبار

بسیار از اخبار اسلامیه هفت وار هند

بشهر و از حیث انتفاع مزیت بر جمیع حراید اردو زمین دارد - همین ایام ما وضعی بسیار مرغوب و رایقه خیلی مطلوب علاوه بر هفت وار روزانه هم اشاعت شده و چند نسخه آن نیز با داره رسیده است - الحقی روزنامه نیست مستثنی از تعریف و مدایحه شایسته بیک روزنامه ملایم دارا و مرین - میتوان گفت از این روزنامه روزانه اردو زبان است توفیقات فایده حاد هم قوم حساب مولوی محبوب عالم دبیر و مدیر و راه پست اخبار را در این خدمات لایقه ار خداوند حراهان و بقا و دوام این رشته فیصرا حارسه اعصابی ادا و حل الملتین قدم آن خریدنده فریده را عن صمیم القلب تبریک و تهنیت بگویند

حق این است خدمات حساب مولوی محبوب عالم بملک و ملت قابل همه گونه تعریف و لائق همه قسم توصیف است -

بجسیت وسعت زبان اردو هرگاه صد روزنامه دورانه هم اشاعت شود کم است - ازین رو نباید در عزم راسخ مدیران راسخ روزنامه گرامی، کیل (اسر تیر) و خریدنده فریده وطن (لاهور) قوری واقع شده از قصدی که برای روزانه نمودن حراید خود داشته از آیند امیدواریم عما قریب این دو حراید اسلامی را نیز روزانه ملاحظه نمایم

زلزله در رنگون

هفتم نومبر ساعت هفت صبحی زلزله شدیدی در رنگون شده دو دقیقه کامل طول کشید و بعضی مهارت را نیز خراب نموده است

مهرامیان فرما فرمایند

در خلیج فارس

در مهرامیان فرما فرمایند علاوه بر آنچه نگارش نموده از قراریکه بتاریک اشاعت یافته اشخاص دلیل نیز خود نموده در کپتان بیکر کار - مبحر آدیس - خان م در عبدالرحیم خان حکیم -

آچه ظاهر میشود در مراجعت فرما فرمایند

شهر جانپور، آگره - و آوار - راه نیور فرموده ضمناً
فرج و شکر هم کرده - هارت (تاج محل) را مایه
و مدارک تعمیرات لازمه و برا حواصند فرمود . . .

ترجمه از روزنامه استندرد -
وقایع نگار (استندرد) تاریخ (۲۲) اکتوبر از
(ادبیه) تروفق مرسله نیم رسی که از طهران یافته
میباشد - که وضع در بار ایران ملاحظه نماید و
معتوضی معلوم می شود - سارش درباران و خاق ایمان
بدرجه ایست که هیچ یک از وزرا از فردای خود
اطمنان ندارند - هنوز نمی دانند که فردا در برابر چه
واقعه خواهد شد

چندست که پس از مرگ - سزای وزراء در ایران
اخراج بلد و ضبط املاک و بر طرف شدن از جیب
امتیارات دولتی و طرد بکر بلا یا جاهای دیگر قرار
یافته است

شاهزاده عین الدوله که اینک متصدی کارهای
صدارت ایران است از شیبان با عصیت و بختار معلوم
میشود - و این نکته برای پیشرفت اصلاحات فرقه بایه خیلی
مضر است - و ظاهراً جان می نماید که شاهزاده عین الدوله
مخالف با حکمت عملی روس و همراه بدگان از اوست -
صدر اعظم مزول ایران میرزا علی اصغر خان مانند
یکی از مسافرین بجانب مغرب اروپا ترهسپار گردید :

شعر انالله و انا الیه وارجعون

دو ماه نوبی حاجی سید طه تاجر کاظمینی
که از بجهت سعادت و عهده خدام هتبه آستان ملائک
پایان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و بالغ بر
چهل ساله در کلکته به نیابت اشتغال داشت و از
دوستان صمیمی و عیان قدیمی نگیننده بود - در عشره
دوم رجب المرجب سنه (۱۳۲۱) در حالتیکه بالغ بر
هفتاد مراحل زندگانی را طی نموده بود در کاظمین
این جهان فانی را وداع گفته با اجداد گرام خود
مخسور گردید - رحمة الله علیه زوجه و آسوده
حاجی سید طه از سعادت غیور خیر با نعمت و

حیت و چند سال سکرزی انجمن مرآتوی کلکته
بود - بعد از آن طول اقلنت هندی چهار سال قبل
به کاظمین عودت نموده بخدمت دیرینه خود در آن
آستان قدس صرف وقت مینمود

پس از رسیدن خبر فوت آن مرحوم جناب آقا
سید علی و آقا سید جواد و آقا سید محمد فرزندان
ارجمند آن مرحوم که الحق نیکو یادگاری از والد ماجد
بخطوب می باشد در حسینیه عالی مرحوم حاجی کرمان
محمد خان انصاف مجلس فایحه نمودند - مجدداً بمسئ
از دوستان آن مرحوم در حسینیه معروف به بلا عبادت
نیز مجلس فایحه خوانی منعقد کردند

فوت حاجی سید طه بر ایرانیان کلکته که سالهای
دراز مائوس و مألوف با آن مرحوم بودند خاصه بر
نگارنده خیلی تأثیر نمود - چیزیکه مایه تسلی خاطر
دوستان آن مرحوم تواند شد همانا فرزندان بارشادت
و قابلیت و سعادت آن مرحوم است که نیکو یادگاری
از ایشان اند - خداوندان آن مرحوم را خریق رحمت
خوبش فرموده صبر جمیل به بارماند گانش اعطا فرماید

کلکته

آنرا سر - آج - ال - (فریزر) کی - سی - اس -
آئی - حاکم بنگال دوم شهر حال وارد و متصدی
امور حکومتی گردید -

قطار ریلو آیین بساعت نه صبح در ایستگاه
(هورا) وارد شده - برای پذیرائی ایشان رئیس محکمه
بلدیه - و افسر پلیس - و قاضی عدالت هلیپور و غیره حاضر
بودند - از ایستگاه یکسر بنهد حکومتی تشریف
برده قائم مقام حکومت در پذیرائی ایشان اقدام و تمام
اعضای شورای و قاضی های عدالت العالیه و جی از
همایند و بزرگان حاضر و پس از تصرف امور واجبه
بخوبش توب سلام هم در شلیک شد

هوای کلکته اینک تلذذ خنک شده بحمدالله
تاکنون از امراض همومیه شکایتی نیست - جبهه گذشته
بازار چایی در هراج کلکته این هفتی قبل نیز گرمتر
بود - باز هر جماعتی از بمبیرین تجار را عقیده این
است که قیمت چایی بیش از پیش ترقی خواهد نمود

● جبل التین کلکته

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

● کلیه امور اداره

پامدیر کل مؤید الاسلام است

● منتظم اداره

(آقا محمد جواد شیرازی است)

● هر دوشنبه طبع

(و سه شنبه توزیع میشود)

● تاریخ دوشنبه

(۲۵ شعبان ۱۳۲۱ هجری)

● مصادف

● قیمت اشتراك

(سالانه - شش ماهه)

● هند - و برمه

(۱۲ روپه - - ۷ روپه)

● ایران - افغانستان

(۵۰ قران - ۳۰ قران)

● عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی - - ۳ مجیدی)

● اروپا و چین

(۳۰ فرنک - ۱۷ فرنک)

● روس - و ترکستان

(۱۶ نومبر ۱۹۰۳ میلادی) (خریداران نباید قیمت اخبار را با حدی تسام نمایند) (۱۰ منات - - ۶ منات)

● روزنامه مقدس

جبل التین

● سنه ۱۳۱۱

● قبل از دریافت نمودن قبض اداره

● در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود
● مراسلات عام المنعمه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

● فهرست مندرجات

- سیاسی ● تلفات طاعونی ● اطعام عمیانه ● مناقشه
- دولین امریکا و انگلیس ● حالات سیاسی فرنکان بر
- مسلمین ● مکتوب یکی از دانایان ● مکتوب بیفرضاه
- مصلحان ● مکتوب از زرکنده شمراں ● اثر خامه
- یکی از فضلاء ● مکتوب از طرازون ● ترجمه از
- روزنامه صباح ● مکتوب از طهران ● ملخص اشعار
- وطنیه ● قصیده عربیه ● مکتوب از بمبئی ● مکتوب
- یکی از تجار محترم حاجی ترخان ● جبل التین ● مکتوب
- یکی از فضلاء گرام ● ملخ خوارکی ● بلوا در مشرق
- افریقا ● عودت لارد کرزن بلندن ● ترقیات فن عکاسی

● سیاسی

مهمترین مسائل سیاسیه که امروزه موضوع بحث سیاسيون است هانا مسافرت فرمافرمای هند درخلیج فارس میباشد. واضح است مسافرت نائب الساطنه هندوستان که فرمافرمای برسیصد ملیون نفوس و آمر و ناهی بر چنین مملکت وسیع زرخیز - که پادشاهان مستقله اش و القب شاهنشاهی بوده - و بجهت عهده و مقام شخص اول انگلند و درنظار اولین رجال بارانش انگلستان

باید شعرد - با مصادفیکه سر بلیوهار حواهد زد - نمیتوان مانند سایر محافرتهای سیاحین انگلستان و یا رجال سائر دول سرسری دانست درجلاله فرمافرمای هند يك نکته کافی است که سیر دولت انگلیس در ایران با آن مقام منبع درسطک ملازمین ایشان بشمار است - در این صورت باندک تعمق میتوان استنباط نمود که مسافرت فرمافرمای هند در - ایچ فارس باندازه شخص شخص ایشان اهمیت دارد نکته دیگر که اهمیت این مسافرت را دلیل یین است - آنکه بالغ و شصت سال است فرمافرمایان هندوستانیان از جانب دولت انگلیس بلف نائب الساطنه نامزد و شاهنشاهی انگلستان بر جمیع هند مسلم گردیده احدی از فرمافرمایان به سیاحت خلیج فارس نرفته - یقین است اگر امری مهم و مسئله بسیار اهم پیش بور - فرمافرما را چنین مسافرت فوق العاده لازم نمی افتاد اهم تر از جمله این مراتب آنست که مسافرت خلیج فارس مانند (لارد کرزن) فرمافرما را اختیار نموده که علاوه بر سیاست و لیاقت و قابلیت و علم و اطلاع - در ممالک آسیا عموماً و ایران خصوصاً اولین شخص با بصیرتش باید گفت - چه لارد کرزن شخصاً بسمت وقایع نگاری روزنامه (طمس) لندن سیاحت ایران و چند

قطعات نشانه آسیا مانند افغانستان و غیره را نموده -
 در جنبه سیاحتنامه ایوان مشهورترین سیاحتنامه
 «لوویان» در آسیا و مستندترین کتب انگلیسی در
 حالات تاک ایران بشمار است
 بعد از ابضاح اجمرات بانکه ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ ~~طیبه~~
 که سیاحت و سیر فرمانفرما در خلیج فارس ~~طیبه~~ بر
 تماشای غشت و گل و ملاقات یکمیت ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ و حش
 عرتمدن جاهل در این چند بنا در غروب ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ ~~طیبه~~
 وح - بحب این اراضی ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ ~~طیبه~~
 پیوده اند -

ازین بیانات ظاهر گردید که مسافرت فرمانفرمای
 هند در خلیج فارس مستند بر مسائل بسیار اهم سیاسی
 میباشد - اما آن مسائل کدام است هیچکس بطریق
 قطعی نتواند بیان نمود - ظاهراً نیز فرمانفرمای هند را
 دستور داشتن خیالات خود در این سفر مدنظر است -
 چه رسماً (لارد کرزن) درین مسافرت اجازه نداده که
 احدی از وقایع نگاران اخبارات معیت ایشان را اختیار
 نماید - ولی اخباری که تااسته انشای دارند بذراع
 مخصوصه اشاع خواهد داد -
 هر یک از سیاسیون بهر آن خارجه و دلائل یینه
 از مسافرت فرما استنباطی نموده زعم خود چیزی
 مینگارند - لذا ما نیز اگر درین موقع طلیات خود را
 بنگاریم - حالی از سبب نخواهد بود

در آغاز اشاعه نامه مقدس در شماره ۲۷ سال اول
 مقاله که عنوانش (رقابت دول فرنگ در خلیج فارس)
 بود بدین نخط نگاشته آمد (پیش آمد امور سیاسی
 بینایند که عمارت کشتی های جنگی دولت انگلیس -
 روس - فرانس - آلمان - باک سائر دول که فعلاً بصور
 نیستند نام رقابت تجارت که مقدمه حقوق سیاست
 شناخته شد - در خلیج فارس لنگر انداخته هر یک
 بطلب فوائد تجاری و سیاسی خویش اقدامات سیاسیانه
 و تجارتی (مماست) از آن بعد نیز بارها در این
 موضوع بحث کرده ملاحظاتی خود را بری حال توجه
 اولیاء دولت عایه ایران نگاشته ایم - و نیز وقایع
 نگاران ما سیاست و درات جدول المن هر یک با اندازه
 پیش بی درین موضوع بحث نموده ملاحظاتی مال
 اندیشه خود را نگاشته اند

مسافرت فرمانفرمای هند مقدمه مقاله است که
 ما در یازده سال قبل نگاشته ایم - آن زمان به دولت
 فرانسه را در مسقط و بحر عمان راهی بود - و نه
 کشتی های تجاری و جنگی روس بخلیج فارس عبور
 یافتند - و به دولت آلمان امتیاز ساختن راه آهن بغداد
 را از دولت عایه عثمانیه حاصل کرده بود

بالجمله - سبب مسافرت فرمانفرما در خلیج فارس
 چند امر بنظر میرسد - ولی همه ظنی است نه قطعیات
 ممکن است ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ ~~طیبه~~ ~~طیبه~~
 باشد که امداً ما را بخاطر خطور نکرده

(۱) مسلم است که پس از تکمیل راه آهن بغداد دولت
 آلمانرا در خلیج فارس و عراق عرب نفوذ تجاریت
 و رسوخ - سیاست زیاد خواهد شد - و مالالتجاره دولت
 مشارالیه نسبت به تمامه تجارت انگلیس زودتر و ارزانتر
 در خلیج فارس خواهد رسید - و همیشه تجارت آلمان در خلیج
 فارس رونقی سبسته یابد - طبعاً سیاست آن نیز در آن
 نواح قوتی سراً خواهد یافت - سیاست و تجارت دولت
 انگلیس را در آن نواحی شکست فاحش خواهد رسید -
 گذشته از آن لایداً آخرین اسگاه راه آهن آلمان
 یکی از سائر خلیج فارس در نواح کویتا و امثال آن
 قرار خواهد گرفت - اندک اندک حرکتی عمرتیم قائم
 و قوای جنگی خود را در آن مرکز بلقضای زمان
 زیاد خواهد نمود - این مسئله بهمی برقصان تجارتی خسار
 سیاسی دولت انگلیس را نیز منضم است

(۲) از طرف دیگر دیری نخواهد گذشت که راه آهن
 روس از سرحد جانا گذشته - بخلیج فارس و بندرعباس
 خواهد رسید - دولت روس نیز تجراً و برآ و رشخ
 سابق و تجارتی خود را در جزایر ایران در مقابل
 انگلیسان زیاد خواهد نمود - چنانچه قبل از وفات دولت
 روس از طریق بحر نیز اقدام بدو ترقی تجارت و سیاست
 خود نموده کشتی جنگی برای گردش در خلیج فارس و
 توقف در آن دریا خواهد فرستاد

اجمرات که حتمی الوقوع است دولت انگلیس را
 هم رقصانات تجاری خساره سیاسی هم خواهد رسانید
 بیشتر دولت مشارالیه را این امر مخوف ساخته که مبدا
 اندک قوت و سوخ رقبای او در خلیج فارس سایه
 طبیعی خویش را بر هندوستان نیز بینکنند - و مالاً از

طریق بخر هاره در آندیشه حمله رقیب به هندوستان ماند - این بود سکه (لارد لندون) وزیر خارجه انگلستان علناً در نطق خود اظهار داشت که خلیج فارس برای تجارت مشروعه جمیع دول آزاد است - ولی هرگاه دولتی از خارج آمده بخواند در آن سواحل مرکز بحری قائم نماید - دولت انگلیس با تمام قوت خود در لنو و ابطال آن حاضر شده - مساعی جویا بکا خواهد برد - مسافرت فرمانفرمای هند در خلیج فارس حرکت در نطق وزیر خارجه انگلستان میباشد - با جلوگیری از مقاصد سیاسی دولتین روس و آلمان قبل از وفات شد باشد (۲) این نیز بر خرده نندان با دانش پوشیده نیست که حاکمیت فرمانفرمای هند تا کنون با امام مسقط و شیوخ کوچک مانند شیخ بحرین و کویت - و شارجه - و با سید و - و امثال آنان - رسمی بوده - و سوای (کویت) سایر مشایخ مزبوره و امام مسقط در تحت سلطنت و خریطه ایرانند - اگرچه رجال بی علم ایران از روی عدم بصیرت و خیرت از سازش شیوخ مزبوره با دولت اجنبی رسماً اعتراض ننموده - ولی این نکته کلیه سبب حقوق مسایبه نایبه ایران را از امام مسقط و سایر مشایخ خلیج فارس نماید - و از اثروت با اینکه هم اهالی بنادر مزبوره رعایای ایرانند - دولت عدله ایران در حکم ممالک اجنبیه نمائیده و قوسلی از خود در آعمامت مهمه نگذاشته است - و در متن واقع هنوز دست از حقوق حاکمیت خود نکشیده و از ممالک خارجه محسوب نداشته - و تسلیم حق حاکمیت دیگری را نیز در آن نواح نه نموده است

در مراحل از روی حقوق بین الدول حق شاهنشاهی دولت ایران از مشایخ مذکوره ساقط نگذاشته - و خود سری آنها نیز از جانب دولت مشارالیه تسلیم نشده است -

برای آگاهی بعضی از مشترکین محترم که ندانند این حق چگونه حق - و این حاکمیت کدام حاکمیت است میگویم - که این حق همان حقست که پس از ۲۵ سال تصرفات دولت انگلیس در خاک مصر با عدم حقیقت نایبه - دولت فرانس تسلیم حقوق حاکمیت دولت مشارالیه را بر خاک مصر نمی نماید - و دولت انگلیس به تسلیم حقوق حاکمیت و سیاست فرانس در مرا کوراضی شده که فرانسه نیز تسلیم سر پرستی او را بر مصر بنماید -

این همان حق است که بعد از بنیدن سال امارت (پرنس فردینند) بر بلغارستان دولتین عثمانی و روس استحقاق حکومت او را تسلیم نمی نمودند - و چهار سال قبل با هزاران جهد و کوشش بلغاریان رسماً حکومت ویرا امضا داشتند -

این همان حق است که پس از یکقرن خود مختاری (صرب) دولت عثمانی چند ماه قبل اختصاص قومیت ویرا تسلیم نمود -

این همان حق است که دولت روس تا دوات ایران تسلیم حکومت ویرا در ترکستان نمود - ترکستان را جزء مستعمرات خود بشمار نیآورد -

هرگاه بملاحظه همین حق نایبه دولت ایران نبود - دولت انگلیس در سنین ماضیه سکوادار - مسقط - شارجه - باسیدو - بحرین - و امثال آنرا در مستعمرات هند بشمار آورده حاکمیت خود را چنانچه بسایر امرای هندوستان قبولانده - بر آنها نیز می قبولانند

دولت انگلیس را از دولت ایران بواسطه غفلت رجال و بیعی امنای دربار درین مواد هیچگونه خوف و هراسی نبوده و نیست - ولی چون عمای رقیب رقبای هوشیار او را در سواحل خلیج فارس قوت زیاد و رسوخ بیش خواهد کردید - دولت مشارالیه که اول دولت هوشیار دنیا است خواسته علاج واقعه را قبل از وقوع بنماید - لذا رسماً می خواهد شیوخ مزبوره را تابع خود و بنادر مذکوره را از مستعمرات خویش اعلان نماید - تا ازین و بعد امام مسقط و شیوخ سایر بتوانند با سایر دولالت گرفته و خویشتر را تحت حمایت و رعایت دیگری قرار دهند - و مورث پرشانی دولت انگلیس گردند چون اظهار این نکته که دولت ایران باید حقوق حاکمیت و حاکمیت دولت انگلیس را در آن بنادر و بر آن مشایخ تسلیم نماید - مورث تنه می شد - فرمانفرمای هند ایسافر ترا اختیار نموده تا بحکمت عملی رسماً در بیخلفات بدون اعتراض رسماً دولت ایران دربار نموده حقوق حاکمیت خویشرا در بنادر مذکوره بدین وسیله اعلان داده از تصرفات هند و تحت شاهنشاهی دولت انگلیس ظاهر دارد - برخی را عنیده بر این است که بدون تسلیم رسماً دولت ایران فقط بانقتاد دربار سبب حقوق مشارالیه از مشایخ و بنادر مذکوره نخواهد شد

از تهیه و تداریکه دولت علیه ایران برای پذیرائی فرمانفرمای هند دیده - و حلقه محبتیکه در این موقع دولتمین علیتین بدروازه الفت کوییده اند - ظاهر می شود دولت ایران را هیچگونه اعتراضی بخیالات مال اندیشانه حکومت هند فعلا میباشد - و هرگاه رقبای دولت انگلیس سکه نقداً در خلیج فارس دولتین روس و آلمان شناخته می شوند - عجز دولت ایران ننهد - و دولت علیه رسماً اعتراضی پیش نیاید - نیل بدین مقصود حکومت هند از مسلمات است - چه در ایفاماتیکه فرمانفرما دربار خواهد نمود احدی از دول سائر را جز ایران حق هیچگونه اعتراض نمی باشد - دور نیست که عدم انعقاد دربار فرمانفرما در کویت و هیرین از این رو الویافت - که دولتمین عثمانی و ایرانرا اعتراض است - چرا که دولت عثمانی تا کنون دعوی حاکمیت خود را بر کویت دارد - و دولت ایران نیز مثل سائر بنسادر مذکور کاملاً عطف توجه از بحرین عموده - این است که فرمانفرمای هند محض است که آواز مخالفتی باید نشود - و اختلافیکه مورث تبه رقباست بر مجیزه - دربار را در مقامیکه فعلاً بدون مانع تصور میشود قرار داده - چه میداند دولت ایران در این انقلاب و این موقع سخت پیرامون هیچگونه اعتراض نخواهد گشت

(۸) علت دیگر که فرمانفرما را بدین سفر مصمم نموده بید پیست رقابت با راه آهن حجاز و بغداد باشد - دولت انگلیس بخیال کشیدن دو شعبه راه آهن که آخرین ایستگاه او مسقط و کویت خواهد بود افتاده - یکی در مقابل راه آهن حجاز و دیگر در جلو راه آهن بغداد - بدین معنی که آغاز راه آهنی از یک بندر حجاز عموده - از وسط خاک عرب و صومعه یمن گذشته - سرار مسقط بیرون آرد - تخمیناً طول این راه آهن هفتصد کلومتر میشود -

در تعمیر این راه آهن همراهی امام مسقط لازم است - چون امام مسقط متفق با انگلیس باشد هیچگونه اشکالی در تعمیر و برایش نخواهد آمد - ولی شرط عظم تسیر این راه حصول اجازه و امتیاز از دولت علیه عثمانیه است - برخی از دانشمندان انگلستان را عقیده بر اینست که چون در تعمیر این شعبه راه آهن تصور

نقصانی بدولت عثمانی نیست - حصول اجازه از دولت عثمانیه چندان دشوار نباشد -
(۵) تعمیر راه آهنی میباشد که دولت انگلیس را از در باز مد نظر بوده و هست - و اقداماتیکه که در ماده کویت شد مبنی بر همین قصد بود - دولت انگلیس را بر آن است که از بندر عدن راه آهنی را آغاز نموده - از وسط عرب گذشته آخرین ایستگاه او را بندر کویت قرار دهد - طول این راه آهن بالغ بر هزار و صد (کلومتر) خواهد بود - در این طریق نیز حصول اجازه از دولت عثمانی لازم خواهد آمد چون هر یک از این دو شعبه راه آهن ساخته شود رقیب راه آهن بغداد و حجاز خواهد شد - بعید نیست دولت آلمان با چنانکه مقتدر باشد از دادن این امتیاز بدولت انگلیس دولت عثمانی را باز دارد - ظاهراً در این دو نکته کامیابی فرمانفرمای هند دشوار میباشد - ولی در صورتیکه فرمانفرما در این دو مقصود کامیاب شود رسوخ و نفوذ دولتمین روس و آلمان در خلیج فارس مورث شکست تجارت و سیاست دولت انگلیس نتواند شد -

(۶) گویا من جمله مقاصد مهمه که فرمانفرمای هند در ایسافرت مدنظر دارد - حصول امتیاز ساحقن راه آهن حمره تا اسمهان و طهران است - دانشمندان انگلستان تعمیر چنین راه آهنی را برای قوت رسوخ و نفوذ دولت انگلیس در ممالک ایران واجب می شمارند - چون میرزا علی اسفرخان سکه حامی بلتیک روسها بود از میان برخاسته - بعید نمی نماید که دولت انگلیس درین مقصود که حصول چنین امتیازی از دولت ایران باشد کامیاب گردد
(۷) تعمیر راه شوسه از بندر عباس تا کرمان و بو شهر تا شیراز را نیز فرمانفرمای هند مدنظر دارد - و حیلی مورث ترویج سیاست و تجارت دولت انگلیس می بندارند - اگر این امر را نیز یکی از مقاصد فرمانفرما شماریم چندان دور از راه نرفته ایم -

(۸) آنچه معلوم میشود توجه خاطر فرمانفرما درین سفر بجانب بندر عباس و هرمز بیش از همه نقاط مطوف است چه این مقام بزرگ ترین مراکز بحری در خلیج فارس میباشد - دولت روس را نیز توجه تامه بجانب هرمز در بندر عباس است (ناچه زاید سحر شب آستان است)

تلفات طاعونی هند

هفته گذشته تلفات طاعونی هند (۱۷۰۸۳) بشمار آمده هفته قبل از آن (۱۸۱۷۷) بوده است
 پنجاب ۵۹۳ بود ۷۵۱ رسید - صوبهات متحده ۵۶۹ بود ۷۷۶ رسید ممالک متوسطه هند ۱۵۲۲ بود ۱۶۴۶ رسید - احمد اجماعی بمبئی ۱۱۷۶۵ بود ۱۰۹۲۷ رسید است

اطعام عمیانه

یکشنبه گذشته جناب مستطاب راجه سید ابوجعفر صاحب آملهدار (پیر پور) مہمانی مفصلی از مسلمانان شهر فیض آباد مودہ - بالغ بر پنج ہزار نفر را دعوت کردہ بود علاوہ بر آن یک ہزار فقراء را نیز کہ در خارج شہر جمعیت نمودہ بودند اطعام و انعام بخشید و احدی را محروم و مأیوس نگذارد - در این مہمانی بسیار با شکوہ و منظم از حسن انظام کار پردازان راجہ احدی رعیندہ خاطر نگردید - و در مجلس مہمانی فقیر و غنی بزرگ و کوچک را بیک نظر دیدہ و بیک قسم اطعام فرمود - درین دورہ اینگونہ مہمانیہای شاہانہ از نوادر و یادگار بشمار است

مناقشہ دولتین امریکا و انگلیس

یکی از اہالی (آئرلند) کہ از روی قانون دولت انگلیس مجرم و سزایش قتل بود فراراً با امریکا رفتہ است - مجرم مزبور بسزای جرمی سال گذشتہ محبوس و از حبس خانہ فرار - پاپس خبر او را از (اندیانہ) یافت دولت انگلیس رسماً از حکومت امریکا مجرم را طلب کردہ - دولت آئرلندی از تسلیم آن ابا و امتناع نمودہ است - و جرم او را سیاسی قلم دادہ چہ از روی معاہدہ تسلیم مجرمین سیاسی روا باشد - دولت انگلیس او را از مجرمین سیاسی نمی شمارد

حملات سیاسی فرنگان بر مسلمین

از انقلابانی کہ عوام سیاست اسلامیہ را مکدر داشتہ سیاسیون اسلام چنان متحیراند کہ ہر چند سمند تیز کام فکری و اندیشہ را بجولان آورده عاقبت خویش را نمی بینند - ابرہای تیرہ سیاست ہر روز یکی از ممالک

اسلامیہ را تیرہ و تار بیناید گاہی افریقا و سودان و گہی مراکو و سومالی محل تگاپوی سیاسیون فرنگ واقع میشود - اینک صکھ دول فرنگ از اقصی الشرق اندکی آمایش دست دادہ مجدداً عطف ہنان بجانب غرب نمود در مقدونیا بمیدان دار و صف آرائی با دولت علیہ عثمانیہ برداختہ اند

چنانچہ بیک زبان تجویزاتی کہ در آسٹریا سابقہ عالی پیش کردہ امضا نمودہ اصرار در عمل آن دارند - با آنکہ قبول آن بر دولت علیہ کما سعوت و دشواری دارد - بلکہ این مجوزات صاف خروج ہندونیا را از قبضہ اقتدار عثمانی ظاہر میدارد - چہ در صورتیکہ حلی پاشا والی مقرر باشد و دولتین روس و آسٹریا برای معورہ با او از جانب خود شیری کہ در واقع وزیر سیاسی آنہاست برقرار دادہ ادوہای ماکہ و عسکریہ و بلدیہ و سایر ادارات شگرانی آندو مشیر باشد - و سران سپاہ از اہل فرنگستان مقرر - بلکہ افسر کل یعنی سپہسالار ہم عندالحاجہ از اہل اروپا منتخب گردد - و دولت علیہ ذمہ دار رفع کلفت و زحمت و دفع تکلف مہاجرین و آسایش آنہا و تعمیر و مرمت دہات و ہزارات و مدارس و معاہدیکہ در بلواخراب شدہ گردد - و قشون غیر منظم خود را موقوف و انتظام قشون باش بزوغ را بکف کفایت افسران اروپائی واگذار باید بیداست کہ دیگر حکومتی از عثمانی در آن سرزمین باقی نمی ماند

ظاہر است مملکتی کہ تمام اہالی آن نساوای شدیدالتعصب باشند و پناہی مانند دول فرنگستان داشتہ پس از بلوا و بغاوت و گوشمالی یافتن از دولت مہرغہ خود چون از جانب دہ دولت مقتدر ہم کیش و ہم خیال خود دو نفر شریک و مشیر از برای فرمانفرماییشان مقرر شود - ناچار باید والی صوا بدید آن دو مشیر حکمرانی کردہ با اینکہ رؤسای تمام ادارات ہم از کشوری و لشکری وغیرہ از خود ایشان و ہم کیشانان باشند تا چہ اندزہ حکم و فرمان فرمانفرماؤ حکومتی کہ

عیر ملت انشااست پشرفت خواهد نمود - و آنچه حد رعیت نامی و طامی اطاعت خواهند کرد - این نحورات معوضه اسباب قطع علائق دولت علیه است از مقدویا جانیچه بر هر کس واضح و آشکارا ت - باید دید و چو داشت بزوه دولت علیه در جواب چه خواهد گفت آیا حمیت و غیرت ایشان طامع از قبول آن داشته باشد چون نظر به آمادگی و استعداد قوای حربه و حمله دهنه دولت علیه نمایم کمان میرود که کمانه با مال استعداد و استعمال جواب صریح بعهده قبول آن تکالیف شاقه داده آماده بیکار شوند - ولی نظر به صاحب بسدی که مدتسب اعلا به حضرت سلطان اختیار فرموده شد است پس از تغییر و تبدیل و برهم قبول آن - و نیز را نموده عمل بان بود باید دید نتیجه چه خواهد میشد

مکتوب یکی از دانان

(۲۵ رجب سال ۱۳۲۱)

قال رحمه الله عن اقدس ملوکاه

(ر عمره ۷)

پرواضح است که از روی قوائد ملایمه است - مسافر و سب این تباین مانی و دولتی (که اسس همه گونه سینه بحق مات و دولت ابرن شده) افراد ملت ابرایه را قرار نتوانم داد - چه باب بدست بدوات نامی طاهره و ادور باهره بست و در دست است و طاعت هر بدست وفات و اتحاد بالا دست خود طه مائل - و هر وقت بستی نگاگی خود را باور بررگ ططره خود است - پس برین رو نمودن تصور نمودند بدوآیات - بیه بار ردوات خود زنده باشد از طرف دیگر ملاحظه میکنم که بعضی مدس پادشه با آن عمل و فراست و دانش جدا داد - و آن رأف و رحمتیه حدود ببارک و تعالی بدست برعایا در قلب و جای داد - هیچ گاه نمودی خود رصا میدهد و اقدام عملی کند که رعایا اروی متسر شده بیزاری جویند - چه مانا است به پادشاه حکم فرزند دارند - گذشته بر این پادشاه میداند که رعیت

هیچگاه از رعیتی کم نتواند شد - ولی پادشاهی که رعایایش از وی منتظر شوند نزلش را پادشاهی ممکن الوقوع است چون اس و نگذریم دیبج سنی به نظر نرسد الا آنکه آوسم اسباب شاه و تحامف ملت و دولت ایران که - نموده محسوس است جماعتی اند که واسطه بین ملت و دولت بعبارة خری امای دولت میباشد

به رحال دولت چون انسانی بدولت پیدا کرده از روی عدم دانش چه نشتر را ارباب جدا داشته - و در بد که بر وسط برای آنان همیشه نتواند ماند - اما با بدرة از دولتم خارج می بندارند این است که گاهه حواسمان در هوا حس نفسانی مشمول در کج هر آبی - شع عاجل خویشرا بر بسیار - مع اینه و فواید آمله ملت مرجیح میدهند به در دولت و نه در خدا - مانند آنچه سیه بخنی که تاب و دولت ایران روح نموده همه را باعث آنان میداد

مکسان را از دست دود آنها - حقوق - در هر ساله دولت را در افغانستان ضایع گذاردند آنها آنچه معاهدات معبونه را با دول همجور و همسایه بستند آنها - دولتک بلوچستان را از ما موضوع داشتند آنها - حق احباب پاشانی نهاد را از ما قطع کردند آنها - بطارت جمع و خرج اماکن متبرکه را از ما سلب نمودند آنها - فیرهزه را بخشیدند آنها - امد قانس را بدولت همسایه سپردند آنها - دولت روس را تا دهه حراسان آوردند آنها - انگلس را از یکطرف ما حلیج فارس کشیدند و از طرف دیگر تاسیستانش سایدند آنها - انحصار مع رزی را بدوات انگلس داده و مابۀ همه گونه مدت گرفته بالغ بر هشت ککره تومان بدولت ایران لما نقصان ردهد آنها - حقوق کشتی رانی ما را از بی حرر که حق - ممانعه بود مرتفع شدند آنها - آنچه امتیارات خانه بردار را که بی در بی با جانب داده آنها داده اند - ملت را مدت همتاد و پنج سال

با آن شرایط منحوسه رهن گذارده آنها گذاردند - دولت را درین مدت دراز زبون و زیربار قرض کرد آنها - جمله وجوه استقراضی صرف عین و عبرت و بقسمی بر باد دادند که دینارش صرف ملت و دولت نگردید آنها کردند - اینهمه خرابیهای پنه که احدی نمیتواند انکار نمود و هر یکش برای اعدام ملت و افراص دولت و مذهب کافی تواند بود آنها باز آوردند - اگرچه این حرکات آنان برای اختلاف ملت و دولت کافی تواند بود - ولی باز هم از طرق دیگر نیز در اختلاف ملت و دولت کوتاهی نکرده و میکنند واضح است که افراد هر ملت چون ملاحظه شود اهم از آنکه مذهبشان صحیح باشد یا باطل - تابع ظاهر مذهب خود هستند - ملت ایرانیه نیز مانند سایر ملل تابع شرع محمدی اند - درین جا کار به باطن شخص نیست - چنانچه سایر ملل از حفظ ظاهر احکام شریعت خود دست برنمیدارند - ملت ایرانیه نیز حفظ ظاهر مذهب خود را داشته و دارد -

این فرقه مذنبین نه از جهالت نه از ملت خود را محسوب میکنند - و نه جزء دولت بشمارند - صاف صاف و علانیه و آشکار بر خلاف شرع انور حرکت کرده - گذشته از عقاید مخفه و افعال مکتومه - پای بندی بظاهر شرع ملتر نیز شکست خود دانسته - اجتناب ورزیده - متجاهراً بفسقهای پنه جسارت میورزند - بلکه منشرعین از ملت را نکلمات رکیکه توهین نموده مسخر کرده بارها خود از برخی این فرقه میشومه شنیده که این مردمان جاهل بی بند بوهومات شرایع شده اند

مسلم است افراد ملت چون این جماعترا نمایند دولت می شاربند و این گروه عددشان از فرانس و بستکان آنها گرفته تا برسد بوزرا و امرا بسیار است - وغالب بیک مسلک و بیشتر بیک جهت حرکت دارند - نوع دولت را در انظار ملت بطریق غیر شایسته جلوه داده - دولت و دولتیانرا در نزد عام و خواص ققه و ظلمه

نام بردار کرده اند - این است که هرگاه پادشاه یا یکی از وزرا را مات تعریف کند بدینداری می ستاید این نکته را نیز هیچ ذیحسی انکار نتواند کرد - که هرگاه ملت و دوائی داری یک قوم و مذهب باشند - پای بندی دولت و اعصای آن بهو این شرعه آعلت و حفظ ظاهر آئمه مذهب مهم است - و هرگاه دولتیان منحرف از احکام آن شریعت شوند - اتحاد حقیقی آن دولت و ملت محال اندر محال است -

چند در شایسته است که اعلی حضرت شاهنشاهی از روی سوانح تاریخی عصر حاضر - مذاقه در این صریض خالصانه صادقانه فرمود ملاحظه فرمایند - که هرگاه دولت روس و اعضای آن و یا انگلیس و اجزاء او متجاهراً حرکاتی که مبائن و سلوکیک محال با مذهب ملت خود باشد مرتکب شوند - ملتشان قبول این معنی را میکنند و لو بر بختن خونهای زیاد باشد یا نه ؟

پس از آن حرکات - آیا اتحادیکه مطلوب است بین آن ملت و دولت حاصل می تواند شد یا خیر ؟

آشکار است که از بدو عالم تاکنون اتحادیکه درین عالم کون و فساد بین الملل مائر واقع شده - اول اتحاد مذهب - و در ثانی اتحاد لغت که او نیز مبنی از قومیت - و بیشتر قومیهها نتیجه مذهب بوده است - پس در صورتیه مات و دولت دارای یک مذهب باشند و در حاده شریعت برخلاف یکدیگر حرکت نمایند اتحادشان مشکل و محال و امید آن از سرابست -

اینکه برخی از مغرضین نسبت این اختلافرا بهما داده و این دو گانه تیرا مستند با سلطین دین مبین ظاهر مبدارند - غلطی است طاهر و اثناء شبهه میباید باهر - غایب المرام این است که چون علماء امامان حامی دین - و حافظ شریعت - و مروج احکام شرعه - و حرکات دولتیان که غالب مخالف با شرع - و بیشتر مابین مذهبست ملاحظه میفرمایند - تکلیف شرعی آنان جز بر این اقتضا نمیکند - که آنها را قاسق دانسته ظلام گویند - و هرگاه علمای اعلام در قول و فعل خود

که مبنی بر خیر دولت و رفاه ملت و تمسیر ملک بوده که حمله دین از اجرای آن مانع آمده اند ؟

آیا پادشاه صاف درون در کدام يك از مشاكل ملك و ملت و دولت اسلام که مخالف با شرع انور نبوده از علمای اعلام استمداد حسته که آن بزرگواران همراهی با دولت نکرده اند ؟

آیا تا وقتیکه سلاطین اسلام مشاورین از متحارین بفسق انتخاب فرموده - و مساوین از عدوان دین نیاورده - و مشاورت خویش را با علماء اعلام و فضلاء عالمقام متدین اسلام قرار داده بودند - کدام نیترا دیده - و چه ضرر حاصل کردند ؟

درجه مقام علمای اعلام मात्रا از همراهی بدولت باز داشتند؟ و بدولت از ترقیات مفتضیه وقت محروم گذاردند؟ باز هم هرگاه خدای نخواستہ روی صعب تر ازین و وقتی بدتر ازین برای دولت اسلام رخ نماید (که خداوند آرزو را نصیب مسلمانان نکند) از دولتیان سر تا باخس کسکاری پیش نخواهد رفت - و عاقبت پادشاه اسلام عبور بچستن استمداد از اساطین دین مبین خواهد گردید -

واضح تر گویم و سخن را از پرده بیرون آورم - با این خرابیهای ظاهره - و این خبیاتهای بینه دولتیان که در هر آن اسباب اقتراض دولت را فراهم آورده و می آورند - و با این همسایگان قوی بجهت بهانه جو - در که پیشرفت مقاصد خود از تأدیه هیچگونه رشوه دریغ نمیدارند - این اندک نام و استقلالیم که از سلطنت ایران باقی مانده از برکت وجود فیض نمود علمای اعلام است -

بخدا قسم دشمنان همه چیز ما را هیچگونه همی ازین دولتیان راشی غرض کارانه - و این قلیل اقتدار سلطنت و چند فوج قشون غیر مرتب دولت نیستند - هنوز دشمنان اسلام از هیجان هلا - و حرکات ملیه ایران - که طبع و امر آن بزرگواران تسلیم شده چشم میزنند - (باقی دارد)

غیر ازین سلوک کنند - بوظائف مقدسه خویش عمل ننموده - بر خلاف شرع انور حرکت و برعکافت حکم مذهب رفتار کرده اند -

مسلک است چون شرع بظاهر حکم میکنند - هرگاه در صورت ظاهر خود را مطابق شرع قرار داده - و در احوال و افعال خود بر خلاف شریعت عمل میکنند - حای هیچگونه اعتراضی برای علمای اعلام و سایر افراد ملت باقی نخواهد ماند

این جمله القاء شبهه که این فرقه بیادشاه اسم نموده اند که علمای اعلام مانع از ترقیات ملیه و دولیه اند - (نذا پتان عظیم) این تهقی است که خائنین برای مشرفیت اقتراض خائنه و انجام مقاصد فاسده خود با ساطین دین مبین میزنند - یعنی در خرابی ملک - و تخریب ملت و ضعف دولت - و ویرانی ممالکت - که روز افزون از شرع حرکات خود مختارانه غیر مسئولانه آمان برور مییابند - نمودار پادشاه جوابی جز این ندارد - ملت جمیع خرابیهای خودشان را در ملک و ملت عاها قرار دهند - هرگاه نسبت بمجود دهند - تسلیم خیانت خویش نموده - مستوجب عقاب و عتاب دولت میگردند - این است که برای القاء شبهه بیادشاه صاف درون و جواب مترضین داخله و خارجه - بدین اکاذب بمجمله خوسته خویشین را بری الذمه قرار دهند هر که مبنی نقش خود بیند در آب

برزگرمان و گذر آفتاب

مارا کاری بسختان خاستی بداندیش نیست - ولی شخص اقدس شامناسی راست - هر سخن که استماع فرمایند - بدون غور و تأمل نگذارند - و تصور فرمایند در این شمه که از خرابیهای ایران بر سر داریم که در متن واقع یکی از هزار - و قطره از بحار آنست - و مصادرو خسارش بملك و دولت و ملت اطهر من الشمس و این من الاله من میباشد - کدام يك از علماء اعلام و ساطین دین مبین شرکت داشته اند - آیا تا امروز دولتیان اقدام در کدام امر نموده